

پژوهشهای حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۳

هزار و سیصد و نود و پنج - نیمسال دوم

۷	نقش عرف‌های تجاری در تجارت بین‌الملل؛ تأثیر متقابل کنوانسیون بیع بین‌الملل و قواعد اینکو‌ترمز ۷ دکتر محمود باقری - سروش رستم‌زاد اصلی - ناصر عزیزی
۳۳	شیوه‌های مقررات‌گذاری تبلیغات تجاری خطاب به کودکان در تلویزیون دکتر باقر انصاری - منیژه هاشمیان
۵۵	تأملی بر انحلال سازمان‌های بین‌المللی دکتر منصور جباری - مسعود احسن‌نژاد
۸۱	برخی مقررات اتحادیه اروپا در راستای تقریب ملل و نیل به فدرالیسم اروپایی دکتر سید حسین طباطبایی
۹۹	جرم‌شناسی مدرن و روابط متقابل میان جرایم دکتر علیرضا میلانی - محمد حاجی قاسمی اردبیلی
۱۱۵	حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه در چارچوب اسناد بین‌المللی آرمین طلعت - محمد آهنگر اصیل
۱۴۷	شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در محاق سیاست ملی دولت‌ها: مطالعه موردی کره شمالی دکتر آرامش شهبازی - صمصام عوض‌پور
۱۷۵	مقایسه محدودیت‌های صدور اسناد رسمی با اسناد الکترونیکی مطمئن دکتر عباس کریمی - امیر سپاهی
۱۹۷	شرط گام ابتکاری در نظام اختراعات ایران حامد نجفی - مهسا مدنی
۲۱۷	بحران میانمار در آیینہ شورای حقوق بشر مرضیه قلندری
۲۵۳	بررسی بزه‌های ناتمام در حقوق کیفری ایران علیرضا رحمانی نعیم‌آبادی





http://jlr.sdil.ac.ir/article_40962.html

بحران میانمار در آینه شورای حقوق بشر

مرضیه قلندری*

چکیده:

پدیده بین‌المللی شدن حقوق بشر با تأسیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در کنار دو نهاد شورای امنیت و مجمع عمومی برای تضمین و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با توجه به موارد نقض فاحش و گسترده حقوق بشر، آغاز و با جایگزینی شورای حقوق بشر از سوی مجمع عمومی سازمان ملل به جای آن (کمیسیون حقوق بشر) به اوج خود رسید.

بحران اخیر میانمار و نقض‌های شدید حقوق بشری علیه اقلیت مسلمان این کشور که از سال ۲۰۱۲ آغاز شده است، به عنوان یکی از موارد نقض فاحش حقوق بشری است که نیازمند توجه و دخالت جدی شورای حقوق بشر جهت توقف این نسل‌کشی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها:

کمیسیون حقوق بشر، شورای حقوق بشر، نقض حقوق بشر در میانمار، بحران میانمار، نهادهای حمایتی حقوق بشر.

هرکس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا
فساد در روی زمین بکشد، چنان است
که گویی همه انسان‌ها را کشته است.

سوره مائده، آیه ۳۲

مقدمه

حقوق بین‌الملل سال‌ها حقوق بلامنازع بین دول بوده و جایگاهی برای فرد در این حوزه قائل نبوده است. اما با فجایعی که در طول جنگ دوم جهانی روی داد، همگام با نقض‌های فاحش حقوق بنیادین انسانی در خلال این دوران، اسباب و ریشه‌های بین‌المللی شدن حقوق بشر بیش از پیش خودنمایی کرد. در این دوره است که بر ترویج و توسعه حقوق بشر برای تحکیم مبانی صلح تأکید می‌شود.

پدیده بین‌المللی شدن حقوق بشر با تأسیس سازمان ملل و صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ آغاز و با تصریح در میثاق‌های حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون‌های منع و مجازات شکنجه و ... شتاب یافت. در کنار این جریان نباید از نهضت درج موازین حقوق بشر در قالب متون قوانین اساسی نوپا و یا تدوین اعلامیه‌های منضم به قوانین اساسی در سایر کشورها غافل شد که روند تأکید بر حقوق بشر و ورود افراد به صحنه بازیگران بین‌المللی را تسهیل می‌کند. اندیشه همکاری و تشویق به احترام به حقوق بشر در سیاق منشور سازمان ملل، منجر به تأسیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، علاوه بر دو نهاد شورای امنیت و مجمع عمومی، برای تضمین و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با گوشه چشمی به موارد نقض فاحش و گسترده حقوق بشر گردید. اگرچه این کمیسیون به عنوان نهاد مسؤول نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر، دستاوردهای قابل توجهی داشته است اما ایرادهای ساختاری و عملکردی وارد بر این نهاد، مجمع عمومی سازمان ملل را بر آن داشت تا با تصویب قطعنامه ۶۰/۲۵۱ خود به تأسیس شورای حقوق بشر به عنوان نهادی جایگزین برای این کمیسیون، اقدام نماید.

شورای حقوق بشر با هدف برقراری تعامل میان صلح، امنیت، توسعه و حقوق بشر، به عنوان نهادی نظارتی در انسانی نمودن حقوق بین‌الملل آغاز به کار نمود و در راستای دستیابی به اهداف مقرر خویش، به عصای دست مجمع عمومی و به ویژه شورای امنیت، در مسیر توسعه مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی بدل گردید.

از سال ۲۰۱۰ با روی کار آمدن رئیس جمهوری جدید در میانمار بسیاری تحولات سیاسی در این کشور رخ داد اما اصلاحات انجام شده نتوانست مانع خشونت‌های قبیله‌ای در این کشور گردد. در سال ۲۰۱۲ میلادی شاهد آغاز خشونت‌ها بین دو قبیله بودایی راخین و مسلمان روهینگیا با تجاوز و قتل یک زن از قبیله راخین و ادامه یافتن آن با کشته شدن ۱۰ مسلمان توسط یک راهب ناشناس بودایی، هستیم. نقض‌های گسترده حقوق بشری از جمله حق حیات به عنوان بنیادی‌ترین حق انسانی، آزادی بیان و آزادی رفت و آمد، حاکی از مواجهه جدی این کشور با مسائل حقوق بشری است.

در این نوشتار برآنیم تا به رغم سانسور خبری شدید در خصوص وقایع میانمار، با توجه به لزوم حمایت از حقوق بشر و معرفی نهادهای نظارتی آن (گفتار نخست) به بررسی بحران میانمار به عنوان یکی از نمونه‌های شفاف از موارد نقض جدی حقوق بشر و اقداماتی که شورای حقوق بشر جهت مقابله با این وضعیت می‌تواند معمول دارد (گفتار دوم)، پردازیم.

۱- حقوق بشر و نهادهای حمایتی و نظارتی بر اجرای آن

فجایع رخ داده در خلال جنگ‌های اول و دوم جهانی موجب گردید تا جامعه بین‌المللی با اندیشه پایان دادن آن، اقدام به تأسیس سازمان ملل متحد نماید. سازمان ملل متحد نیز با شناسایی سه نهاد اصلی جهت حفاظت و پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی (شورای امنیت، مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر)، به صیانت از حقوق بشر و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و مقابله با موارد نقض آن پرداخته است.

در این گفتار با تعریف مفهوم حقوق بشر و حمایت از آن (بند اول)، به بررسی نهادهای حمایتی و نظارتی حقوق بشر (بند دوم)، به ویژه نهادهای جهانی نظارت و حمایت از حقوق بشر (بند سوم) خواهیم پرداخت.

۱-۱- حقوق بشر و حمایت از آن

اصطلاح حقوق بشر^۱ سابقه تاریخی کهنی نداشته و اصطلاحی نسبتاً جدید است که پس از جنگ دوم جهانی و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ وارد ادبیات حقوقی شد. این واژه جایگزین اصطلاح حقوق طبیعی^۲ و حقوق انسان^۳ گردید که قدمت بیشتری دارند.

1. Human Rights.

2. Natural Law.

3. Rights of Human.

«حقوق بین‌الملل بشر یا حقوق اساسی نوع بشر عبارت است از مجموعه امتیازاتی که با توجه به شأن و مقام انسان شکل گرفته است. فلسفه وجودی حقوق بین‌الملل بشر، اعتلای منزلت این حقوق بوده است، تا آنکه با رعایت موازین آن در سراسر جهان، همه افراد به صورتی یکسان از این امتیازها بهره‌مند گردند»^۴.

با آنکه حقوق بشر علی‌الاصول ماهیت قراردادی ندارد ولی از سیر تأکید و به منظور تضمین اجرای آن، دولت‌ها به صراحت متعهد گشته‌اند که آن را برای نوع بشر رعایت نمایند. حقوق بشر نه حاصل قصد و اراده است و نه نیازمند وقوع حادثه و اتفاقاتی است. این حقوق ذاتی آدمیزاد است و در سرتاسر دوران زندگی، در هر زمان و مکان و تحت هر شرایطی با او همراه است. افراد یا گروه‌های بشری صاحبان این حقوق هستند و تکلیفی که در تقابل با این حقوق وجود دارد، بر عهده دولت است. در بروز اختلاف میان مردم در حقوقی که واجد وصف حقوق بشری نیستند، دولت تکلیفی ندارد جز اینکه خود بی‌طرف مانده و وسایل احقاق حق را فراهم آورد، یعنی یک سازمان دادگستری کارآمد با قضات شایسته و بی‌طرف ایجاد نماید. حال آنکه در مورد حقوق بشر، دولت بی‌طرف نیست بلکه خود طرف دعوا به شمار می‌آید. از دولت خواسته می‌شود تا کاری را که نمی‌کرده است، انجام دهد و یا کاری را که می‌کرده است متوقف نموده و تکرار ننماید. نظام حقوق بشر با گشودن راه برای مداخلات بین‌المللی، آرام آرام، فرد را به عنوان دارنده حق در قلمروی حقوق بین‌الملل داخل نموده است.

حقوق بشر بر آن است تا از نابرابری‌ها بکاهد و برخورداری بیشتری از آزادی‌ها را میسر گرداند، نسخه جامعی از رفتار معقول و زندگی درخور احترام، برای دولت‌ها و انسان‌ها فراهم نماید. دولت‌ها و انسان‌ها را از اهانت به کرامت انسان بازداشته و احترام به منزلت، شخصیت و مقام انسانی را توسعه بخشد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر^۵ را بی‌تردید باید در نظام بین‌المللی حقوق بشر، نقطه عطف اسناد بین‌الملل حقوق بشر دانست، هرچند که این سند از ویژگی الزام‌آوری برخوردار نیست. این اعلامیه در سال ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و به عنوان سندی که مادر اسناد حقوق بشری دوره حاضر است، بیشترین نقش را در توسعه حقوق بین‌الملل بشر ایفاء کرده است. باگذشت اندک زمانی پس از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر، دو سند که از لحاظ الزام‌آوری با آن تفاوت ماهوی داشتند پدیدار گشت، حقوق و آزادی‌هایی

۴. هدایت‌الله فلسفی، «جایگاه بشر در حقوق بین‌الملل معاصر»، *مجله تحقیقات حقوقی* ۱۸ (۱۳۷۵)، ۲۳۷.

5. The Universal Declaration of Human Rights.

که در اعلامیه به رسمیت شناخته شده بودند با اندک تغییری ولی با تفصیل و صراحت بیشتر در این دو سند، با عنوان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۶ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۷ تکرار شدند^۸. این دو سند مهم بین‌المللی حقوق بشر در حقیقت بر مبنای اعلامیه مزبور تدوین و استانداردهای اعلامیه را توسعه داده‌اند. همچنین میثاقین از حقوقی سخن به میان آورده‌اند که اعلامیه درباره آنها سکوت کرده است، از جمله، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و حق آزادی ملت‌ها در بهره‌برداری از منابع ثروت طبیعی یا ممنوعیت حبس افراد به علت ناتوانی از ایفای تعهدات قراردادی. امروزه، مجموعه اعلامیه و دو میثاق به عنوان منشور بین‌الملل حقوق بشر^۹ شناخته می‌شوند.

اگرچه این اعلامیه در قالب یک کنوانسیون تنظیم نشده اما با توجه به اینکه در مقدمه آن آمده است که کشورهای عضو خود را متعهد ساخته‌اند که در همکاری با ملل متحد در ارتقای احترام جهانی و رعایت حقوق بشر کمر همت برینند؛ این حقوق و آزادی‌ها از مهمترین اهمیت برای درک کامل تعهد برخوردار هستند. بنابراین چه بسا، می‌توان گفت که اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌تواند به عنوان توافقی متمم بر منشور، برای تفسیر مفاد منشور و اجرای مقررات آن در میان کشورها تلقی گردد^{۱۰}.

برخی نیز بر این باورند که با استناد به قطعنامه‌های متعددی که در ارکان مختلف سازمان ملل، به خصوص مجمع عمومی به تصویب رسیده است، باید با توسعه یک قاعده عرفی جدید، اعلامیه جهانی حقوق بشر را تفسیری معتبر از منشور ملل متحد به حساب آورد^{۱۱}. شاید امروزه بتوان این نظر را ابراز داشت که برخی از قواعد و یا دست‌کم برخی از مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر به صورت عرفی، بین‌المللی در آمده‌اند و از این رو دولت‌ها ملزم به رعایت آن هستند. به عبارت دیگر، «هرچند تأیید اعلامیه جهانی همانند کنوانسیون بین‌المللی الزام‌آور نیست... اما تأیید اعلامیه می‌تواند کشور را بر مبنای عرف متعهد سازد... خواه به این

6. The International Covenant on Civil and Political Rights, 1966.

7. The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966.

۸. این دو میثاق در سال ۱۹۶۶ به تصویب رسیدند، ولی اجرای آنها تا سال ۱۹۷۶ به تأخیر افتاد.

9. The international Bill of Human Rights.

10. Paul Sieghart, *The International Law of Human Rights* (Oxford: Clarendon Press, 1983), 45.

11. John P. Humphrey, "The Universal Declaration of Human Rights: It's History, Impact and Juridical Character," in *Human Rights: Thirty Years After the Universal Declaration*, ed. B.G Ramcharan (The Hague: Martinus Nijhoff, 1979), 21-37.

دلیل که تدوین حقوق عرفی به حساب می‌آید... یا، چون قدرت یک عرف را از طریق رویه عمومی پذیرفته‌شده به عنوان قانون به دست آورده است»^{۱۲}.

با اندکی تأمل در عملکرد اجتماع دولت‌ها درمی‌یابیم که در بسیاری موارد، بارها و بارها بر ضرورت اعمال و اجرای مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید شده است^{۱۳} از جمله تأکید مجمع عمومی ملل متحد بر رعایت کلیه مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر به طور جدی و با حسن نیت^{۱۴}. بنابراین می‌توان دریافت که جامعه بین‌المللی با عملکرد خود و با استنادات متعددی که به اعلامیه جهانی حقوق بشر داشته است، رعایت حقوق و آزادی‌های انسانی را به جد، مورد تأیید قرار داده و آن را برای تمام کشورها الزام‌آور دانسته است. اعتقاد به الزام‌آوری قواعد و مقررات اعلامیه تا بدانجاست که هامفری آن را بخشی از حقوق عرفی ملل می‌داند^{۱۵}.

حرکت‌های بین‌المللی در حمایت از حقوق بشر و تأسیس نهادهای نظارتی بر اجرای آن، بیانگر ارزش و اهمیت امر، در میان جامعه بین‌المللی می‌باشد. در ادامه به بیان نهادهای نظارتی و حمایتی حقوق بشر خواهیم پرداخت.

۱-۲- نهادهای نظارتی و حمایتی حقوق بشر

حقوق بشر اصولاً متضمن رابطه بین فرد و دولت است و گاهی هم روابط میان افراد را در برمی‌گیرد، از این رو مسئله حمایت و ارتقای آن بسیار مورد توجه بوده و پیش‌بینی ساز و کارهای حمایتی حقوق بشر و گسترش آنها، گامی در جهت ارتقای حقوق بشر و تضمین حمایت آن به شمار می‌روند. مکانیسم‌های حمایتی حقوق بشر از سه منظر ملی (بند اول)، منطقه‌ای (بند دوم) و جهانی (بند سوم) قابل بررسی است.

۱-۲-۱- حمایت و نظارت بر حقوق بشر در سطح ملی

به طور کلی حمایت از حقوق بشر در داخل کشور ضرورت دارد زیرا حقوق بشر اصولاً در داخل مرزهای ملی نقض می‌شود و از این رو حمایت مؤثر از حقوق بشر نیز باید از داخل

12. Separate opinion of Vicepresident Ammoun, "Legal Consequences for states of the Continues Presence of South Africa in Namibia" (South-west Africa) I.C.J Reports 1971, 76.

۱۳. برای مطالعه بیشتر، رک: امیرساعت وکیل، ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر، تعهد به ترغیب و تضمین رعایت (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰)، ۴۵-۴۴.

14. UN GA. Res. 15/14, 14 Dec. 1960.

15. John P. Humphery, "The International Bill Of Rights: scope and Implementation," *William and Mary Law Review* 17 (1976), 529.

کشورها آغاز گردد. «تقارن توسعه ماهوی و سازمانی نظام‌های حقوقی ملی، لزوم تنفیذ حقوق بشر در چارچوب ملی به عنوان تعهدی بین‌المللی، ضرورت تضمین حق جبران خسارت قربانیان نقض حقوق بشر توسط دولت و جایگاه رفیع اصل محاکمه منصفانه در دادرسی‌های ملی باعث شده است که لزوم توسل مقدماتی قربانی نقض حقوق بشر به مراجع ملی، پیش شرط پذیرش شکایت وی در مراجع ذیصلاح قلمداد شود، علاوه بر این، توسل فزاینده دادگاه‌های داخلی به اصل صلاحیت جهانی امکانات جدیدی را جهت مقابله با نقض حقوق بشر و حمایت از قربانیان در اختیار دادگاه‌های ملی قرار داده است تا در محدوده‌ای فراتر از اصول کلاسیک اعمال صلاحیت کیفری یعنی صلاحیت سرزمینی، شخصی و واقعی اقدام نمایند»^{۱۶}.

اما همان‌طور که اشاره شد، نقض حقوق بشر، بیشتر توسط دولت‌ها صورت می‌گیرد، چنانکه تاریخ گواه است، وحشی‌گری‌های نظام دیکتاتوری نازی مؤید آن است که برخی اختیارات ناشی از حاکمیت، جهت نقض تعهدات حقوق بشری استفاده می‌شود و نمی‌توان در تضمین رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد به طور کامل به ساز و کارهای ملی اکتفاء نمود. از این رو شاهد گسترش نهادهای بین‌المللی حمایت از حقوق بشر در دو حوزه منطقه‌ای و جهانی هستیم.

۱-۲-۲- حمایت و نظارت بر حقوق بشر در سطح منطقه‌ای

نظام‌های منطقه‌ای در حمایت از حقوق بشر با تکیه بر پیوندهای مادی و معنوی در مناطق مختلف جغرافیایی با موقعیت‌های خاص شکل گرفته و گسترش یافته‌اند. از جمله این نظام‌ها، نظام اروپایی حقوق بشر^{۱۷} است که بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۰ روم به عنوان اولین نظام منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر ایجاد گردید و پس از طی چند سال و با تنظیم پروتکل‌های مختلف به پیشرفته‌ترین نظام حمایتی منطقه‌ای در حوزه حقوق بشر تبدیل شد^{۱۸}.

تصویب کنوانسیون ۱۹۶۹ سان خوزه، نظام آمریکایی حقوق بشر^{۱۹} را به عنوان یکی دیگر از نظام‌های حمایت منطقه‌ای به جامعه جهانی معرفی نمود.

۱۶. سید قاسم زمانی، «نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر: از کمیسیون تا شورای حقوق بشر سازمان ملل

متحد»، مجله پژوهش‌های حقوقی ۹ (۱۳۸۵)، ۲۹۷-۲۹۶.

17. The European System for the Protection of Human Rights.

18. Philip Leach, *Taking a Case to the European Court of Human Rights* (Oxford, 2005), 1-161.

19. The Inter-American Human Rights System.

نظام دیگری که شاهد ایجاد آن در سطح قاره آفریقا هستیم، دیوان آفریقایی حقوق بشر^{۲۰} می‌باشد که بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۱ تأسیس شده است. اگرچه هنوز نمی‌توان پاسخ روشنی به تأثیر این نظام و توانایی آن در پاسخ‌گویی به انتظاراتی که از تأسیس آن می‌رود داد، اما می‌توان تشکیل آن را گام مؤثری در حمایت منطقه‌ای از حقوق بشر دانست^{۲۱}.

تاکنون هیچ مکانیسم حقوق بشری منطقه‌ای در آسیا به وجود نیامده است. با اینکه اندیشه تدوین یک کنوانسیون آسیایی در این زمینه در فرصت‌های متناوبی با اجتماع سازمان‌های غیردولتی و اجلاس‌های ملل متحد طرح شده ولی همچنان دول آسیایی نسبت به ضرورت همکاری برای حمایت بهتر از حقوق بشر و حقوق ملت منطقه خود بی‌اعتنا هستند^{۲۲}.

۱-۲-۳- حمایت و نظارت بر حقوق بشر در سطح جهانی

اصل مصونیت و امکان استناد مقامات حاکمه به آن در محاکم داخلی در صورت اقامه دعوا علیه آنان و نیز امکان ارائه تفسیرهای متفاوت محاکم ملی از قواعد حقوق بشر، از جمله مواردی است که ممکن است باعث عدم احقاق حقوق قربانیان نقض‌های حقوق بشری شود. از سوی دیگر، نظام‌های منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر نیز، در برخورد با موارد نقض حقوق بشر به اعمال صلاحیت اختصاصی خویش در منطقه‌ای خاص می‌پردازند. بنابراین، وجود ساز و کارهای جهانی برای حمایت و نظارت بر اجرای حقوق بشر ضروری می‌نماید.

از جمله نهادهایی که در سطح جهانی در حوزه صلاحیت خویش بر اسناد حقوق بشر نظارت می‌کنند عبارتند از: کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون مقام زن، کمیته حقوق بشر، کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، کمیته رفع تبعیض نژادی، کمیته رفع تبعیض علیه زنان، کمیته منع شکنجه، کمیته حقوق کودک و... . شیوه‌های نظارتی این نهادها بر حقوق بشر از روش دریافت گزارش تا سیستم طرح شکایت فردی قابل توجه است.

با توجه به تمرکز این تحقیق بر روی نهاد نظارتی شورای حقوق بشر که در زمره نهادهای نظارتی جهانی می‌باشد، بررسی این نهادها از اهمیت بیشتری در این نوشتار برخوردار هستند. از این رو در ادامه به بررسی دقیق‌تر آنها خواهیم پرداخت.

20. African Court of Human Rights.

21. Van Der Mei, and Anne Piter, "The New African Court on Human and People's Rights: Towards an Effective Human Rights Mechanism for Africa?," *Leiden Journal of International Law* 18 (2005): 113-129.

۲۲. وکیل، پیشین، ۶۲.

۱-۳- نهادهای جهانی نظارت و حمایت از حقوق بشر

نهادهای جهانی حقوق بشری یا مبتنی بر منشور سازمان ملل متحد^{۲۳} بوده و در زمره ارگان‌های فرعی این سازمان به شمار می‌روند و یا اینکه با داشتن منشأ معاهداتی^{۲۴} به نحوی با سازمان ملل متحد وابسته هستند.

۲۳. اگرچه مجمع عمومی سازمان ملل و کمیته سوم آن، شورای اقتصادی و اجتماعی و حتی گاه شورای امنیت سازمان ملل نیز به مسائل مربوط به حقوق بشر می‌پردازند، ولی چند نهاد عمده در چهارچوب سازمان ملل ایجاد شده‌اند که ریشه اصلی آنها در منشور ملل متحد است و مأموریت آنها رسیدگی به مسئله حقوق بشر است. این نهادها عبارتند از:

۱. کمیسیون حقوق بشر که بعدها جای خود را به شورای حقوق بشر داد؛
 ۲. کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها؛
 ۳. کمیسیون مقام زن؛
 ۴. کمیساریای عالی حقوق بشر؛
 ۵. مرکز حقوق بشر؛
 ۶. مؤسسات تخصصی سازمان ملل.
- برای مطالعه بیشتر، رک: حسین مهرپور، *نظام بین‌المللی حقوق بشر* (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷)، ۱۷۸-۱۵۳.

۲۴. این نهادها به موجب کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشری ایجاد می‌شوند و نظارت بر حسن اجرای کنوانسیون مربوطه و بررسی گزارش‌های ارائه‌شده توسط دولت‌ها و ارائه توصیه‌ها و تفسیرهایی در جهت ارتقای حقوق بشر و توسعه اجرای کنوانسیون را برعهده دارند. این نهادها بیشتر به صورت کمیته تشکیل می‌شوند و تنها در یک مورد کمیسیون خوانده می‌شوند. اکنون هشت نهاد نظارتی ناشی از معاهدات وجود دارند که عبارتند از:

۱. کمیته حقوق بشر (H.R.C)، ناشی از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.
۲. کمیته حقوق اقتصادی و فرهنگی (E.S.C.R.C)، ناشی از میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
۳. کمیته رفع تبعیض علیه زنان (C.E.D.A.W)، ناشی از کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان.
۴. کمیته رفع تبعیض نژادی (C.E.RD)، ناشی از کنوانسیون رفع تبعیض نژادی.
۵. کمیته سه‌نفره ضد آپارتاید، ناشی از کنوانسیون محو و مجازات آپارتاید.
۶. کمیسیون ضد آپارتاید در ورزش، ناشی از کنوانسیون ضد آپارتاید در ورزش.
۷. کمیته ضد شکنجه (C.A.T)، ناشی از کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده.
۸. کمیته حقوق کودک (C.R.C)، ناشی از کنوانسیون حقوق کودک.

برای مطالعه بیشتر، رک: مهرپور، پیشین، ۱۵۳.

وجه مشترک همه نهادهای فوق، نظارتی بودن است که متشکل از تعدادی افراد صاحب‌نظر و صلاحیتدار از اتباع دولت‌های عضو بوده و در مورد نحوه اجرای معاهده، پیشرفت‌های حاصله و موانع موجود، گزارش‌هایی را دریافت و مورد بررسی قرار می‌دهند. این نهادها، توضیحات لازم را از دولت‌های عضو دریافت کرده، نظر نهایی خود را در خصوص نحوه اجرای معاهده به دولت عضو، دبیرکل سازمان ملل و از آن طریق به مجمع عمومی گزارش می‌کنند و گاه توصیه‌های لازم را ارائه می‌نمایند. نظرهای این نهادها، نسبت به مواد معاهده مربوطه نیز

منشور ملل متحد نیز با آگاهی از ارتباط متقابل رعایت موازین حقوق بشر با صلح و امنیت بین‌المللی، با واگذاری مسؤلیت حمایت از حقوق بشر بر عهده سه نهاد اصلی خود از جمله کمیسیون حقوق بشر که بعدها جای خود را به شورای حقوق بشر داد، در مسیر ارتقای این دسته از حقوق و تأمین صلح و امنیت بین‌المللی گام برداشته است.

در این گفتار با بررسی اجمالی کمیسیون حقوق بشر (بند اول)، به روند شکل‌گیری و بیان صلاحیت‌های شورای حقوق بشر (بند دوم) خواهیم پرداخت.

۱-۳-۱- کمیسیون حقوق بشر

مبنای تشکیل کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، ماده ۶۸ منشور ملل متحد است که به شورای اقتصادی و اجتماعی مأموریت می‌دهد تا کمیسیون‌هایی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و ترویج و ارتقای حقوق بشر ایجاد کند. بر این اساس، شورا در سال ۱۹۴۶ طی قطعنامه‌ای، کمیسیون حقوق بشر را تأسیس می‌نماید.

این کمیسیون دارای ۵۳ عضو بوده و فعالیت اصلی و اولیه آن، مطالعه در زمینه راه‌های ارتقای حقوق بشر، ارائه پیشنهاد و توصیه در این باب و نیز تدوین پیش‌نویس اسناد بین‌المللی حقوق بشری، جهت ارائه برای تصویب به مجمع عمومی و شورای اقتصادی اجتماعی بود. تهیه متن اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین نمونه‌های بارز فعالیت کمیسیون هستند.

کمیسیون در دهه نخست تأسیس، فعالیت خود را بر تهیه اسناد تدوین موازین حقوق بشری، متمرکز نمود^{۲۵}. اگرچه این کمیسیون در گزارش ۷ مه ۱۹۴۶ خود به نیاز بر وجود یک دفتر بین‌المللی اجرایی حقوق بشر که وظیفه نظارت بر رعایت حقوق بشر را بر عهده داشته باشد نیز تأکید نمود تا از تجدید اعمالی که زمینه‌ساز جنگ دوم جهانی شد، جلوگیری نماید ولی در انجام این امر توفیق نیافت و سرانجام تنها به تصویب یک اعلامیه جهانی حقوق بشر بسنده کرد. اما از سال ۱۹۶۶ به بعد، طی قطعنامه‌های مختلفی که به تدریج از سوی شورای اقتصادی اجتماعی صادر شد، مسئله رسیدگی به نقض حقوق بشر در کشورهای مختلف نیز در دستور کار کمیسیون حقوق بشر قرار گرفت. از جمله قطعنامه ۱۲۳۵ که در تاریخ ۶ ژوئن ۱۹۶۷ به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی رسید و به موجب آن کمیسیون اجازه یافت تا

دارای اهمیت است. برخی از این نهادها همچنین بر پایه مقررات معاهده، صلاحیت رسیدگی به شکایت دولت‌ها یا افراد از تخلف‌های یک دولت عضو از مقررات معاهده را دارند.

25. Philip Alston, *Appraising the United Nations and Human Rights: A Critical Appraisal* (Oxford: Clarendon Press, 1995), 125.

اطلاعات مربوط به نقض شدید حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را مورد بررسی قرار دهد اگرچه صلاحیت کمیسیون تنها به صورت موضوعی و محدود به موارد نقض سیستماتیک و گسترده حقوق بشر بود. در همین راستا وظیفه انجام مطالعه کامل در مورد وضعیت نقض حقوق بشر به کمیسیون محول و کمیسیون موظف گردید گزارش حاصله را همراه با توصیه‌های خود به شورا ارائه دهد. استفاده از سیستم گزارشگری ویژه در تهیه گزارش از موارد نقض حقوق بشر، کمیسیون را به نهادی کاملاً نظارتی در زمینه حقوق بشر تبدیل نمود. گزارشگری ویژه، به دو صورت انجام می‌شد^{۲۶}:

گزارشگرهای ویژه موضوعی^{۲۷} و گزارشگرها یا نماینده‌های ویژه کشوری^{۲۸}.

برخی از نویسندگان با توجه به مقرراتی که بیانگر اختیارات کمیسیون بوده و نیز رویه عملی این نهاد، چهار نقش و کارکرد مهم برای آن برشمرده‌اند:

۱- معیارسازی^{۲۹}؛ ۲- ترویج و اعتلای حقوق بشر^{۳۰}؛ ۳- واکنش نسبت به نقض حقوق بشر^{۳۱}؛ ۴- ایجاد هماهنگی^{۳۲}.

۲۶. گزارشگرهای ویژه موضوعی: برای بررسی یک موضوع خاص حقوق بشری و وضعیت آن در کشورهای مختلف، از سوی کمیسیون تعیین می‌شدند. قبل از انحلال کمیسیون حقوق بشر، گزارشگرهای ویژه موضوعی متعددی مشغول فعالیت بودند که عمده‌ترین آنها عبارتند از:

الف - گزارشگر ویژه اعدام اختصاری یا خودسرانه؛

ب - گزارشگر ویژه شکنجه؛

ج - گزارشگر ویژه ناپردباری مذهبی؛

د - گزارشگر ویژه آزادی عقیده و بیان؛

ه - گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان؛

و - گزارشگر ویژه استقلال قضایی.

گزارشگرها یا نماینده‌های ویژه کشوری: کارشناسانی بودند که از سوی کمیسیون حقوق بشر برای بررسی وضعیت حقوق بشر در برخی کشورها که متهم به نقض گسترده این حقوق بودند، تعیین می‌شدند. این نماینده‌ها مأموریت داشتند تا با تماس با نماینده‌های دولت مربوطه و دریافت گزارش‌ها و ادعاها از افراد و سازمان‌ها و در صورت امکان مسافرت به آن کشور و ملاحظه اوضاع از نزدیک، وضعیت حقوق بشر در آن کشور را مورد بررسی قرار داده و نظریه و ملاحظه‌های خود را طی گزارشی به کمیسیون منعکس نمایند. این گزارش مبنای اصلی تصمیم‌گیری کمیسیون و صدور قطعنامه علیه کشور مزبور و یا خروج آن، از نظارت به شمار می‌رفت.

27. Special Reporter The mastic.

28. Special Representative-of-country.

29. Standard Setting.

30. Promotional Function.

31. Response to- violation.

32. Co-ordination Function.

اگرچه نمی‌توان از تأثیر اقدامات کمیسیون در توسعه نظام بین‌المللی حقوق بشر و اصلاح رفتار دولت‌ها، چشم‌پوشی نمود ولی متأسفانه باید گفت، فقدان ضمانت اجرایی مؤثر، عدم همکاری دولت‌های عضو، تأثیر ملاحظات سیاسی در اتخاذ تصمیم‌ها و رسیدگی‌ها، خروج از موضع بی‌طرفی و عملکرد گزینشی کمیسیون، انتقادهای بسیاری را متوجه آن نمود. در سال ۲۰۰۴ هیئت عالی منتخب دبیرکل سازمان ملل متحد، در گزارش خود با عنوان «جهانی امن‌تر، مسئولیت مشترک ما» کمبود مشروعیت کمیسیون حقوق بشر را یکی از ضعف‌های ساختاری سازمان ملل برشمرد و توصیه‌هایی برای تغییر در ارکان اصلی سازمان و اصلاح کمیسیون ارائه داد. هیئت مزبور، همچنین ایجاد یک شورای مشورتی از متخصصان مستقل را برای کمیسیون پیشنهاد کرد. هیئت عالی پیشنهاد نمود تا کمیسر عالی حقوق بشر، گزارشی سالانه از وضعیت حقوق بشر در سراسر دنیا تدوین نماید تا مبنایی برای بررسی کمیسیون قرار گیرد، این گزارش باید بر پایه اطلاعاتی از نهادهای نظارتی ناشی از معاهدات، رویه‌های تخصصی کمیسیون و هر منبع مناسب دیگر فراهم شود. این هیئت، ارتباط نزدیک‌تر کمیسر عالی حقوق بشر با شورای امنیت را مورد تأکید قرار می‌دهد که از اهمیت والای حقوق بشر در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عنوان وظیفه اصلی شورای امنیت حکایت دارد.^{۳۳}

دبیرکل نیز در گزارش سال ۲۰۰۵ خود با عنوان «با آزادی بیشتر، به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه» با تأکید بر اینکه صلح و امنیت، توسعه و حقوق بشر، سه محور و پایه کار سازمان ملل است. خاطرنشان می‌سازد که ساختار سازمان ملل، گویای اولویت برابر در این سه حوزه نیست، بنابراین باید شورای حقوق بشر را جایگزین کمیسیون حقوق بشر نمود.^{۳۴}

۱-۳-۲- شورای حقوق بشر

نظر به اینکه تأسیس شورای حقوق بشر به عنوان رکن اصلی سازمان ملل، نیازمند اصلاح و تجدیدنظر در منشور ملل متحد است، دبیرکل ایجاد شورای حقوق بشر را به عنوان یک رکن فرعی ملل متحد پیشنهاد^{۳۵} و در شصت و یکمین جلسه کمیسیون در تاریخ ۷ آوریل ۲۰۰۵ در ژنو، به تشریح نظریه خود مبنی بر ضرورت تأسیس شورای حقوق بشر و تقویت مکانیزم

33. UN: A-More Secure world: our shared Responsibility of High level Panel on Threats, challenges, and changes», (New York UN DPI 2001 www. Un.Org/secure world), p.67, Para. 208.

34. "In Larger Freedom: Towards developments, security and human rights for all", (UN Doc, A/59/2005), Para.182

35. Ibidem.

نظارت بر رعایت حقوق بشر پرداخت. وی در این نشست اظهار داشت که شورا باید در همه زمان‌ها قادر به مراقبت از بحران‌های اضطراری جامعه بین‌المللی بوده و تجاوزات گسترده به حقوق بشر را مورد توجه قرار دهد. سرانجام پس از ماه‌ها گفتگوی مستمر، مجمع عمومی، تشکیل شورای حقوق بشر را در سوم آوریل ۲۰۰۶ با تصویب قطعنامه ۶۰/۲۵۱ تأیید و آن را جایگزین کمیسیون حقوق بشر نمود^{۳۶}.

شورای حقوق بشر، در قبال مجمع عمومی پاسخگوست در حالی که کمیسیون حقوق بشر در برابر شورای اقتصادی و اجتماعی پاسخگو بود. یک مقررہ بسیار مهم این است که تمام دولت‌های عضو که در شورای جدید دارای کرسی هستند، خود نیز مشمول یک ساز و کار بازنگری دوره‌ای جهانی هستند که سوابق حقوق بشری آنان را بررسی می‌نماید. هدف از این مقررہ آن است که دولت‌ها را از به کارگیری شورا برای سرپوش نهادن بر سوابق سوء خود در مقابل رسیدگی یا مخفی ماندن آن باز دارد.

صلاحیت‌های شورای حقوق بشر به شرح زیر است:

الف - تشویق به احترام جهانی و دفاع از تمامی حق‌های بشری و آزادی‌های بنیادین برای همگان به صورت درست و منصفانه؛

ب - بررسی نقض‌های حقوق بشر به ویژه نقض‌های فاحش و سازمان‌یافته و ارائه توصیه‌های لازم در خصوص آن به کشورها؛

ج - تلاش برای هماهنگ کردن فعالیت‌های نظام ملل متحد در مورد حقوق بشر و لحاظ و اجرای سازمان‌یافته این حقوق توسط کلیه نهادهای این نظام.

شورای حقوق بشر در اجرای صلاحیت‌های محوله، اصول جهانشمولی، عدم جانبداری، عینیت و شفافیت، گفتگو و همکاری سازنده در سطح بین‌المللی به منظور تسهیل احترام و دفاع از تمامی حق‌های بشری راه، رعایت و اعمال می‌نماید و در ترویج و حمایت از حقوق بشر به صدور توصیه‌نامه مبادرت و گزارشی سالانه به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم می‌دارد.

شورای حقوق بشر متشکل از ۴۷ کشور عضو می‌باشد که بر مبنای تقسیم جغرافیایی عادلانه از میان گروه‌های منطقه‌ای با رأی مخفی و برای مدت ۳ سال انتخاب می‌شوند. ملاک انتخاب و عضویت کشورها، میزان مشارکت آنها در ارتقاء و دفاع از حقوق بشر و

همکاری‌های داوطلبانه‌ای که در این زمینه انجام داده و تعهداتی که در این زمینه به عهده گرفته‌اند، می‌باشد.

مقر شورای حقوق بشر در شهر ژنو در کشور سوئیس بوده و حداقل داری ۳ اجلاس عادی سالانه و به طور منظم می‌باشد. رسیدگی در شورای حقوق بشر بر اساس مکانیسم‌های مختلفی به عمل می‌آید از جمله مکانیزم بررسی ادواری حقوق بشر در کشورها، توجه و بررسی نقض‌های فاحش و سیستماتیک حقوق بشر و نیز بررسی دیگر وضعیت‌های مشتمل بر نقض حقوق بشر.

۲- بحران میانمار در آینه شورای حقوق بشر

«نتیجه حیات اجتماعی بشر، اختلاط اجتنابناپذیر گروه‌های مختلف انسانی بوده»^{۳۷} و اغلب کشورها مشتمل بر اقلیت‌های قومی، نژادی و مذهبی و یا زبانی می‌باشند. نگاهی به تاریخ گویای آن است که نقض حقوق گروه‌های اقلیت‌های مذهبی، گسترده‌تر و شدیدتر از سایر گروه‌های اقلیت بوده است. به همین دلیل است که، حمایت از اقلیت‌ها، در ابتدا، اقلیت‌های مذهبی را مورد توجه قرار داد.

یکی از اقلیت‌های مذهبی که همواره حقوقشان در معرض تخطی و نقض قرار داشته، گروه‌های مسلمان مقیم در کشورهای مختلف جهان می‌باشند. مسلمانان میانمار که در منطقه روئینگ‌یای این کشور سکونت دارند، از جمله اقلیت‌های مسلمانی هستند که در معرض شدیدترین خشونت‌ها و نقض‌های جدی حق‌های بشری قرار گرفته‌اند.

در این بخش با معرفی مسلمانان میانمار و شرایط کنونی آنها (بند اول) به بیان وضعیت اجرای حقوق بشر در قبال مسلمانان این کشور (بند دوم) پرداخته و نقش شورای حقوق بشر در برخورد با بحران اخیر میانمار را بیان خواهیم کرد (بند سوم).

۲-۱- مسلمانان در میانمار

کشور برمه یا میانمار فعلی در جنوب شرقی آسیا واقع شده و از شمال شرقی با چین، از شرق با لائوس، از جنوب شرقی با تایلند، از غرب با بنگلادش و از شمال غربی با هند مرز مشترک داشته و از جنوب غربی با خلیج بنگال و از جنوب با دریای آندامان محصور شده است. میانمار

۳۷. سید قاسم زمانی، «حمایت از اقلیت‌ها در اسناد جهانی حقوق بشر»، مجله پژوهش حقوق و سیاست ۱۵ و

با جامعه بسته سیاسی، دارای سابقه تاریخی نظام دیکتاتوری است. این کشور از سال ۱۸۲۴ ضمیمه حکومت هند و از مستعمره‌های بریتانیا محسوب می‌شد که همزمان با استقلال از انگلستان در سال ۱۹۴۸ به میانمار تغییر نام یافت. میانمار با جمعیت حدود ۶۰ میلیون نفر، دارای ۱۴۴ قومیت مختلف می‌باشد که پس از تصویب قانون ۱۹۸۲ حقوق شهروندی، ۱۳۵ قومیت از جمله بوداییان که ۸۷ درصد جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند، به رسمیت شناخته شده و ۹ قومیت دیگر از جمله مسلمانان روهینگیا از حقوق شهروندی محروم ماندند.^{۳۸}

تاریخ گسترش اسلام در کشور میانمار فعلی، به قرن یکم هجری بازمی‌گردد. بعد از ظهور اسلام و گرایش اعراب و ایرانیان به اسلام، دریانوردان عرب و ایرانی مسافرت‌های دریایی خود را تا آسیای جنوب شرقی و سواحل چین ادامه داده و در مسیر خود اقدام به تبلیغ و دعوت مردم به اسلام کردند. در همین ارتباط، بازرگانان مسلمان از مسیرهای زمینی که از منطقه غربی میانمار و ایالت آراکان^{۳۹} در این کشور می‌گذشت به مناطق غربی چین سفر نمودند. بسیاری از این افراد در منطقه حاصل‌خیز و مستعد ساحلی آراکان، سکنا گزیده و اولین مناطق تجمع مسلمانان را ایجاد کردند^{۴۰}. سیاحان چینی در نوشته‌های خود از مناطق ایرانی‌نشین در مرزهای بین میانمار و چین در قرن سوم میلادی یاد کرده‌اند.

منطقه آراکان به طور کامل زیر نفوذ مسلمانان بوده و بیشتر مسلمانان میانمار در این منطقه زندگی می‌کنند^{۴۱}. تا سال ۱۷۸۴ میلادی، «منطقه آراکان» دارای یک حکومت مستقل

۳۸. «بر مسلمانان میانمار چه می‌گذرد»، مشرق‌نیوز، تاریخ دسترسی ۲۲ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/143722>

۳۹. این منطقه امروزه روهینگیا خوانده می‌شود.

۴۰. «میانمار کجاست؟/مسلمانان میانمار چه کسانی هستند؟»، فارس‌نیوز، تاریخ دسترسی ۲۱ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910427001287>

۴۱. گروه‌های شناخته‌شده مسلمان در میانمار عبارتند از:

۱. چولیا مسلم، اجداد این گروه سال‌ها پیش هندو بوده و بعد به اسلام گرویده‌اند، زبان اصلی این گروه هنوز هندوست. چولیا مسلم با وهابیت اختلاف دارند، آنان پنج تن از اهل بیت (ع) را قبول دارند و احترام ویژه‌ای برای اهل بیت رسول (ص) قائل‌اند؛

۲. بودا مسلم، کسانی هستند که تا امام ششم را پذیرفته‌اند. این گروه فعالیت چندانی ندارد و فقط در رانگون دارای سه مسجد می‌باشند و شمار آنان دو هزار تن بیش نیست. در مراسم گروه شیعه شرکت می‌کنند و تولد امام صادق را جشن می‌گیرند؛

۳. اهل حدیث، این گروه احادیث را حجت می‌دانند، به زبان عربی مسلط هستند و آموختن عربی را واجب می‌دانند. این گروه نیز با وهابیت متفاوت و مخالفند؛

مستقل و یک ایالت پرقدرت و بزرگ بود و در کنار سایر مناطق، که دارای مردمی «بودایی» بودند، قرار داشت. اجرای قوانین اسلامی در منطقه آراکان قبل از سال ۱۳۴۰ میلادی، وجود داشته و تا سال ۱۷۸۴ ادامه داشت.

کشور میانمار همواره از درگیری‌های قومی و قبیله‌ای در رنج بوده است. از زمان انقلاب نظامی «ژنرال نه‌وین» در سال ۱۹۶۲ با تشدید سیاست نابرابری و نابردباری مذهبی در قبال اقلیت‌ها، موج جدیدی از خشم، نفرت و تعصب کورکورانه بر اندیشه اکثریت جامعه، حاکم و انواع تبعیض‌ها و محرومیت‌ها بر اقلیت‌ها (به ویژه مسلمانان) بار گشت.^{۴۲} اصرار بر اعمال این سیاست، میانمار را با فجایع بی‌شماری از جمله فاجعه انسانی ۲۰۱۲ روبرو ساخت، سیاستی که تحولات دموکراتیک رخ داده در ماه‌های اخیر نیز نتوانست این کشور را در برابر بروز بحران اخیر، مصون دارد. تحولات دموکراتیکی که شاید بتوان آن را مهم‌ترین عامل فروبستن چشم‌های جامعه جهانی به روی درگیری قومی این کشور دانست و به قول فیل رابرتسون، گزارشگر دیده‌بان حقوق بشر گفت: «تغییر در برمه باعث کور شدن جامعه بین‌المللی شده است»^{۴۳}.

بحران اخیر میانمار با تجاوز و قتل یک زن (بودایی) از قبیله راخین در ۲۸ مه آغاز و با کشته شدن ده مسلمان توسط یک راهب ناشناس بودایی ادامه یافت^{۴۴} و با به آتش کشیدن روستاها، قتل و سوزاندن دسته‌جمعی اهالی، تخریب بیش از ۷۰ مساجد مسلمانان و به آتش

۴. قادیانی، آنها به خدا و رسول معتقدند اما پیامبر (ص) را خاتم انبیاء نمی‌دانند، این گروه به کسی به نام «احمد طهور» اعتقاد داشته و وی را کسی غیر از پیامبر اکرم (ص) می‌دانند. مسلمانان، این گروه را کافر می‌دانند؛
۵. سوفیست، طریقیه، گرانبه، این گروه‌ها هر سه پیرو اولیاء و پیران خود هستند. دو گروه سوفیست و طریقیه پیرو شیخ عبدالقادر گیلانی بوده و گروه گرانبه نسب سلسله اولیای خود را تا امام علی (ع) می‌دانند، هر سه گروه به آل محمد (ص) معتقدند.

بنگالی مسلم، سورطی مسلم، این دو گروه از مهاجران هندی و بنگلادشی هستند و پیرو امام شافعی بوده و طرفدار وهابیت هستند.

۴۲. از جمله اینکه دولت ژنرال نه‌وین پس از روی کار آمدن در ۱۹۶۲ رقتن مسلمانان به حج را ممنوع اعلام کرد تا آنکه در ۱۹۸۰ پس از گذشت ۱۸ سال، به هفتاد نفر از مسلمانان اجازه داده شد جهت انجام فرایض حج به مکه مشرف شوند.

«میانمار کجاست؟/مسلمانان میانمار چه کسانی هستند؟»، فارس نیوز، تاریخ دسترسی ۲۱ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910427001287>

۴۳. خبر آنلاین (خبرگزاری تحلیلی ایران)، تاریخ دسترسی ۲۲ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.khabaronline.ir/detail/232410>

۴۴. «ماجرای افتخارآمیز یک مقام سابق اجرایی کشور»، پایگاه خبری تحلیلی صراط، تاریخ دسترسی ۲۲ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.seratnews.ir/fa/news/7252>

کشیدن آنها^{۴۵}، تجاوز به دختران مسلمان، آواره و بی‌خانمان کردن^{۴۶} بیش از صدها هزار نفر^{۴۷}، تجاوز به زنان در پیش روی دیگران^{۴۸}، مصلوب کردن مردان^{۴۹}، زنده سوزاندن کودکان و ... به اوج خود رسید.

بحران میانمار نشان‌دهنده فرهنگ نژادپرستانه و سرسختانه علیه اقلیت مسلمان روهینگیا در میانمار است، فرهنگی که بشر را به قتل هم‌نوع خویش با هولناک‌ترین شیوه‌ها ترغیب می‌نماید. بحران اخیر میانمار علی‌رغم پیشرفت‌های دموکراتیک و سیاسی^{۵۰}، نشان‌دهنده مواجهه جدی این کشور با مسائل حقوق بشری است که همچنان با آن دست به گریبان

45. edition.pressTV.ir/detail/fa/255493.html.

۴۶. به گزارش ندای انقلاب به نقل از پرس تی وی؛ اشوک نیگام گفت، دولت با اکثریت بودایی میانمار روز یکشنبه (۷ آبان، ۲۸ اکتبر) اعلام کرد، در پی موج جدید ناآرامی‌های قومی در ایالت راخین در روزهای اخیر، ۲۲۵۸۷ نفر از جمله ۲۱۷۰۰ مسلمان آواره شده و ۴۶۶۵ خانه نیز به آتش کشیده شد. وی گفت: «باید بگوییم که این برآورد فعلی است و گمان می‌کنیم که شمار دیگری به این آمار اضافه شود». نیگام همچنین گفت: «آن ۲۲ هزار نفر همچنان در محلی هستند که بودند و جایجا نشده‌اند. افرادی که با قایق جایجا شده‌اند، غیر از این ۲۲ هزار نفر هستند». اشاره وی به هزاران آواره دیگری است که به سیتوه، مرکز ایالت راخین رفته‌اند. «بیش از ۲۲ هزار آواره، نتیجه خشونت‌های قومی در میانمار»، میانمار بلاگفا، تاریخ دسترسی ۲۳ فروردین ۱۳۹۲، <http://miyanmar.blogfa.com>.

۴۷. «کشتار مسلمانان میانمار؛ هولوکاست واقعی»، شیعه نیوز (رسانه مستقل شیعیان)، تاریخ دسترسی ۲۳ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.shia-news.com/fa/news/46654>.

۴۸. «اسلام در میانمار»، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، تاریخ دسترسی ۲۳ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/4180/4754/38536>.

۴۹. «بر مسلمانان میانمار چه می‌گذرد؟»، فردا نیوز، تاریخ دسترسی ۲۳ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.fardanews.com/fa/news/210379>.

۵۰. واحد مرکزی خبر / سیاسی ۱۳/۱۱/۱۳۹۱، گروه دیده‌بان حقوق بشر روز جمعه اعلام کرد دموکراسی‌های غربی با تعریف و تمجید شتابزده از دولت به ظاهر غیرنظامی میانمار، مانع پیشبرد اصلاحات در این کشور می‌شوند. فیل رابرتسون معاون امور آسیایی گروه دیده‌بان حقوق بشر با اشاره به نام قدیمی میانمار گفت: «اصلاحات برمه در یک سال گذشته به دلیل تعریف و تمجیدهای شتابزده بین‌المللی متوقف شده است». این گروه که در نیویورک مستقر است اذعان کرد دولت تین‌سین، رئیس‌جمهوری میانمار، سال گذشته اصلاحات مهمی اجراء نمود، از جمله به «آنگ سان سوچی» رهبر مخالفان این کشور اجازه داد در انتخابات پارلمانی شرکت کند. دیده‌بان حقوق بشر افزود، وی همچنین سانسور در مطبوعات را لغو و حدود چهارصد زندانی سیاسی را آزاد کرد. اما انتقاد کرد که دولت میانمار از ارتش برای حمله به شورشیانی که به دنبال خودمختاری بیشتر در ایالت شمالی کاجین بودند توضیح نخواست و در توقف درگیری‌های فرقه‌ای بر ضد مسلمانان روهینگیا در ایالت غربی راخین کوتاهی کرده است. دیده‌بان حقوق بشر همچنین، از اقدام دولت در جلوگیری از ارسال کمک‌های بشردوستانه به این دو منطقه که صدها هزار بی‌خانمان دارد، انتقاد کرد.

خبرگزاری صدا و سیما، تاریخ دسترسی ۲۳ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.iribnews.ir/NewsText.aspx?ID=1820798>

است. نادیده گرفتن حقوق شهروندی، هویت انسانی، به کارگیری اجباری، محدودیت در رفت و آمد، محدودیت در ازدواج، حمله به غیرنظامیان، قتل، خشونت جنسی، شکنجه و سایر سیاست‌های تبعیض نژادی در حال اعمال، همان‌گونه که گزارشگر ویژه سازمان ملل نیز^{۵۱} - علی‌رغم احتیاط در اظهارات و احتراز از پیش‌داوری در خصوص جنایات واقع شده - به صراحت در گزارش خود ذکر نموده است، «تبعیض سیستماتیک» نسبت به جمعیت روهینگیا به شمار می‌آید. شاید بتوان اظهارات رئیس دولت میانمار مبنی بر عدم به رسمیت شناختن مسلمانان به عنوان اقلیت نژادی و تأکید بر لزوم اخراج یا اسکان آنها در اردوگاه‌های آوارگان سازمان ملل را یک ماه پیش از شروع درگیری‌ها، اعلام توافق ضمنی بر پاکسازی اقلیت مسلمانان و مبنای اقدامات ددمنشانه علیه آنها تلقی نمود^{۵۲}. اظهاراتی که پذیرش گزارش کمیسیون عالی حقوق بشر را مبنی بر «خودسرانه بودن» مداخله نیروهای امنیتی و گرایش‌های نژادپرستانه آنها، دشوار می‌نماید^{۵۳}.

۵۱. به گزارش واحد مرکزی خبر از نیویورک، توماس اوجه کوئینتانا، در نشستی خبری در جمع خبرنگاران سازمان ملل با اشاره به سفر ماه اوت میلادی خود به منطقه آراکان میانمار گفت: خشونت‌هایی که بین گروه‌های مختلف در آن منطقه رخ داده منجر به کشته شدن ده‌ها نفر و دستگیری و آوارگی صدها هزار نفر دیگر شده است. وی به ویژه درباره اعمال خشونت‌های گسترده از جمله کشتار، آدم‌ربایی، سربازگیری کودکان و غیره در نواحی مرزی، ابراز نگرانی کرد و توقف این قبیل اقدامات را از طرف‌های درگیر در میانمار خواستار شد. گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر میانمار گفت نقض شدیدی به ویژه درباره موضوع حقوق بشر در میانمار صورت گرفته است.

خبرگزاری صدا و سیما، تاریخ دسترسی ۲۳ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.iribnews.ir/NewsText.aspx?ID=1705913>

۵۲. فارس نیوز در خبری که در مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۸ در سایت خود منتشر نموده چنین نوشت: «رئیس جمهور میانمار هفته گذشته اعلام کرد که مسلمانان، شهروند میانمار نیستند.» «تین سین» رئیس جمهور میانمار جمعیت ۸۰۰ هزار نفری مسلمانان روهینگیا در این کشور را قومیتی خارجی دانست و گفت: مسلمانان یا باید در اردوگاه‌های آوارگان متمرکز شده و یا اخراج شوند.»

«میانمار کجاست؟/مسلمانان میانمار چه کسانی هستند؟»، خبرگزاری فارس، تاریخ دسترسی ۲ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910427001287>

همچنین رئیس جمهوری برمه در سخنانی دیگر اعلام کرد: مسلمانان روهینگیا را به عنوان یک اقلیت نژادی به رسمیت نمی‌شناسد و تنها نسل سوم این مسلمانان را که پیش از استقلال میانمار به این کشور وارد شده‌اند به رسمیت می‌شناسد.

روزنامه شرق، شماره ۱۵۹۳، ۱۳۹۱/۰۵/۱۲، ۶.

۵۳. به گزارش شفقنا به نقل از پرس تی وی: توماس اوجه کوئینتانا، گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره حقوق بشر میانمار، روز پنجشنبه ۶ فروردین ماه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «من گزارش‌هایی دریافت کرده‌ام که نشان از دخالت دولت در برخی از اقدامات خشونت‌آمیز دارد.» وی همچنین افزود: «ارتش و نیروی پلیس باید هم‌اکنون

۲-۲- اجرای حقوق بشر در میانمار

منشور ملل متحد در بند سوم ماده یک مقرر می‌دارد که یکی از اهداف ملل متحد، دستیابی به همکاری بین‌المللی در ارتقاء و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین است. زیستن در صلح حقی است که پیش‌شرط بهره‌گیری از حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر می‌باشد به عبارت دیگر، تضمین و احترام به صلح، متضمن رعایت حقوق بنیادین بشر است. رابطه نزدیک و عمیق صلح و حقوق بشر تا بدانجاست که در تبیین عملی این دو مفهوم، هرگاه حقوق بشر نقض گردد به واقع صلح در معرض خطر جدی قرار می‌گیرد. به بیان ساده‌تر «صلح نمی‌تواند باشد اگر حقوق بشر نباشد».

در این گفتار با شناخت ابعاد حقوقی نقض حقوق بشر در بحران اخیر میانمار (بند اول) در پی نمایاندن رابطه متقابل صلح و امنیت بین‌المللی با حقوق بشر (بند دوم) هستیم.

۲-۲-۱- ابعاد حقوقی نقض حقوق بشر در بحران اخیر میانمار

یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشری را می‌توان اصل برابری حیثیت و حقوق انسان‌ها دانست، اهمیت این حق تا بدان حد است که اولین ماده اعلامیه جهانی حقوق بشر به آن پرداخته است «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند». اصل برابری، مستلزم تعهد دولت‌ها در شناسایی حقوق شناخته‌شده در اسناد حقوق بشری، وضع و اجرای قوانین بدون هیچ‌گونه تبعیض و تمایز بین افراد می‌باشد که می‌توان آن را، مقدمه احترام به دیگر حقوق و آزادی‌های بشری به شمار آورد، حقی که در تعامل نزدیک با صلح، زمینه‌های حفظ امنیت بین‌المللی را فراهم می‌سازد.

بدیهی‌ترین حق انسان، زنده ماندن است، زندگی پایه و اساس تمام حقوق انسانی است زیرا همه حقوق، وابسته به وجود خود انسان است و بدون وجود انسان هیچ حقی برای هیچ فردی معنا و مفهومی ندارد. «هرکس حق زندگی دارد»^{۵۴} و حق حیات، حق عالی موجود زنده انسانی است^{۵۵} و «حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است، این حق باید به موجب

برای نقض حقوق بشر پاسخگو باشند. بعد از آغاز موج جدید حملات علیه مسلمانان در ۲۰ مارس ۲۰۱۳، دست کم ۴۰ نفر در مرکز میانمار کشته شده‌اند».

شفقنا، تاریخ دسترسی ۲۳ فروردین ۱۳۹۲، <http://afghanistan.shafaqna.com/articles/item/11255>.

۵۴. ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر.

55. Human Rights committee, General Comment 6 (1982).

قانون حمایت شود و هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد»^{۵۶}.

سلب حیات تعداد بی‌شماری از مسلمانان میانمار و تعلق آن دولت در پیشگیری و ممانعت از کشتار آنان به واقع نقض بدیهی‌ترین حق بشری به شمار می‌رود.

به رسمیت نشناختن مسلمانان به عنوان شهروند^{۵۷} و عدم اعطای تابعیت به آنان نیز منجر به محدودیت و محرومیت ایشان از ابتدایی‌ترین حقوق بشری از جمله آزادی رفت و آمد^{۵۸}، حق انتخاب مسکن، حق تعیین سرنوشت و حق مالکیت^{۵۹} شده است. به موجب اعلامیه جهانی حقوق بشر «هرکس حق دارد که از ملیتی برخوردار باشد و هیچ‌کس را نمی‌توان به طور خودسرانه از ملیت^{۶۰} و نیز حق تغییر ملیت محروم کرد»^{۶۱}. اگرچه اصل آزادی دولت‌ها در تعیین اتباع خود در اسناد بین‌المللی نظیر عهدنامه ۱۲ آوریل ۱۹۳۰ لاهه و آرای دیوان بین‌المللی پذیرفته شده است^{۶۲}، اما محدودیت دولت‌ها در قبال اعمال این اصل غیر قابل انکار می‌باشد. چنانچه کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۴۹، لیست کاملی از مسائل بین‌المللی قابل بحث در زمینه تابعیت منتشر و یکی از مهم‌ترین مسائل آن را ملیت افراد بدون تابعیت دانست. بی‌تابیتی نه تنها در روابط خصوصی افراد در سطح بین‌المللی اشکالات

۵۶. ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱.

۵۷. پس از تصویب قانون ۱۹۸۲ حقوق شهروندی، ۱۳۵ قومیت از جمله بوداییان که ۸۷ درصد جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند، به رسمیت شناخته شده و ۹ قومیت دیگر از جمله مسلمانان روهینگیا از حقوق شهروندی محروم ماندند.

«بر مسلمانان میانمار چه می‌گذرد؟»، مشرق نیوز، تاریخ دسترسی ۲۲ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/143722>

۵۸. ماده ۱۳؛ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۲؛ میثاق حقوق مدنی و سیاسی.

۵۹. هر شخصی به تنهایی و یا به طور اجتماعی حق مالکیت دارد.

60. The Right to a Nationality.

۶۱. ماده ۱۵ بندهای ۱ و ۲، اعلامیه جهانی حقوق بشر. این مسئله همچنین در ماده ۱۹ اعلامیه آمریکایی حقوق بشر، ماده ۲۴ بند ۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، مواد (۱) ۲۰ تا (۳) ۲۰ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ذکر شده است.

۶۲. از جمله رأی شماره ۴ دیوان بین‌المللی دادگستری در اختلاف میان دولت‌های فرانسه و انگلستان درباره آیین‌نامه‌ای که دولت فرانسه برای تونس و مراکش، سرزمین‌های تحت‌الحمایه خود، در زمینه تابعیت وضع کرده بود و یا رأی شماره ۷ دیوان در تفسیر عهدنامه‌های مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ دولت لهستان با قوای متحدین در جنگ جهانی اول و یا در رأی مورخ ۱۶ آوریل ۱۹۵۵ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نوتته بام.

فراوانی تولید می‌کند، بلکه حل مشکل بی‌تابیتی به جهت تأمین حفظ صلح و امنیت بین‌المللی حائز اهمیت فراوانی است.^{۶۳}

دولت میانمار با عدم اعطای تابعیت به اقلیت مسلمان به واسطه تفاوت در مذهب، نه تنها آنها را از یک حق بشری محروم ساخته، بلکه با تحمیل بی‌تابیتی بر شمار زیادی از افراد ساکن در قلمروی سرزمینی خود، باعث بروز مشکلات مختلف اقتصادی، اجتماعی و حقوقی گشته که در نهایت حفظ صلح و آرامش جهانی و اجرای مقررات نظم بین‌المللی را با مشکل مواجه خواهد ساخت.

یکی از مهم‌ترین و در عین حال دشوارترین و پیچیده‌ترین مسؤولیت‌های یک دولت، ایجاد هماهنگی و برقراری تعامل همراه با احترام میان اقلیت‌ها و اکثریت جامعه در چارچوب مرزهای ملی است. وجود تفاوت‌های مذهبی در طول اعصار مختلف، زمینه‌ساز جنگ‌های بسیاری بوده است، اهمیت حقوق ویژه این گروه تا بدانجاست که اولین گروه اقلیتی حمایت‌شده در عرصه بین‌الملل، اقلیت‌های مذهبی بوده‌اند. اعمال تبعیض به واسطه مذهب و محروم ساختن مسلمانان از حقوق شهروندی به این علت، از جمله موارد آشکار نقض حق بر آزادی مذهب^{۶۴} در میانمار می‌باشد.

در بسیاری از اسناد بین‌المللی از جمله منشور سازمان ملل متحد^{۶۵}، اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۶۶}، میثاق‌های بین‌المللی ۱۹۶۶ اصل عدم تبعیض مورد توجه قرار گرفته است. دولت‌ها نه تنها موظف‌اند که بر طبق تعهدات بین‌المللی خود از هرگونه اعمال تبعیض بین اقلیت‌ها و اکثریت خودداری کنند بلکه مکلف هستند حقوق خاصی به منظور ایجاد امکان حفظ هویت و مختصات قومی و سنت‌های اجدادی اقلیت‌ها برای ایشان در مقررات داخلی‌شان در نظر بگیرند^{۶۷}. دولت میانمار با به رسمیت نشناختن ۹ گروه اقلیت، از جمله مسلمانان در این کشور،

۶۳. این امر در ماده (۱) ۱۵ و (۲) ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۹ اعلامیه آمریکایی حقوق بشر، ماده (۳) ۲۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، مواد (۱) ۲۰ تا (۳) ۲۰ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ذکر شده است. رک: بهمین آقایی، فرهنگ حقوق بشر (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶)، ۶۴.

۶۴. مواد ۲ و ۱۸، اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۶۵. مواد ۱ و ۵۵، منشور سازمان ملل متحد.

۶۶. ماده ۲، اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۶۷. برای مثال ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی اشعار می‌دارد: «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجموعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و برطبق آن عمل کنند و یا به زبان خود تکلم نمایند».

نه تنها نوعی تبعیض ناروا اعمال داشته بلکه با این عمل بستری برای نقض سایر حقوق بشری اقلیت‌ها و از جمله مسلمانان فراهم آورده است.

«سؤال‌ی که بحث در مورد آن در اینجا خالی از فایده نیست، آن است که آیا ماده ۲۷ میثاق [حقوق مدنی و سیاسی]، بیگانگان مهاجر را نیز در برمی‌گیرد یا خیر؟ در بادی امر به نظر می‌رسد چون بافت بیگانگان نیز از ثبات و تداوم تاریخی برخوردار نبوده، از تعریف اقلیت خروج موضوعی دارد، لکن نباید از یاد برد که ماده ۲۷ از اشخاص صحبت می‌کند نه از اتباع، بدین لحاظ تفسیر لفظی و منطوق این ماده، مانعی در راه متمتع دانستن بیگانگان از حقوق موضوع ماده ۲۷ نیست. خلاصه کلام آنکه نتیجه منطقی و اقتضای ذاتی حقوق بشر ایجاب می‌کند که بیگانگان را از حقوق موضوع ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی محروم ندانیم»^{۶۸}، بنابراین شهروند ندانستن مسلمانان و به رسمیت نشناختن آنها به عنوان اقلیت، به هیچ عنوان نمی‌تواند دستاویزی برای محروم ساختن آنان از حقوق بشری‌شان و به تبع آن، محرومیت از حق تعیین سرنوشت، باشد.

حق تعیین سرنوشت از معدود قواعد حقوقی بین‌المللی است که با قاطعیت مورد پذیرش عمومی قرار گرفته و دارای مبانی حقوقی محکمی است.^{۶۹} کمیته حقوق بشر، حق تعیین سرنوشت را یک حق غیر قابل انتقال یاد می‌کند. این به دلیل اهمیت ویژه‌ای است که تحقق حق تعیین سرنوشت به عنوان یک شرط اساسی برای تضمین مؤثر و رعایت حقوق فردی و ارتقاء و تقویت این حقوق داراست. اجرای این حق مستلزم شناسایی آن در قانون اساسی و استقرار آن در فرایند سیاسی هر کشور است.^{۷۰} همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد، دولت میانمار به واسطه به رسمیت نشناختن مسلمانان، آنان را از داشتن حقوقی از جمله حق شرکت در امور عمومی، حاکمیتی و حق رأی محروم ساخته است. این محرومیت‌ها منجر به محرومیت از حق تعیین سرنوشت می‌شود که با توجه به آنچه گفته شد این عمل دولت مزبور را می‌توان تخطی آشکار، از تعهدات بین‌المللی قلمداد نمود.

۶۸ سید قاسم زمانی، «حمایت از اقلیت‌ها در اسناد جهانی حقوق بشر»، ۱۵۴.

۶۹ اسنادی که ناظر به شناسایی این حق هستند عبارتند از: میثاقین بین‌المللی؛ ماده ۱، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملل؛ مواد ۲۰ و ۲۱، منشور ملل متحد؛ مواد ۱، ۵۵، ۷۳ و ۷۶، کنواسیون بین‌المللی منع استخدام، استفاده، تأمین سرمایه و آموزش مزدوران ۱۹۸۹، ۱۴ قطعنامه سازمان ملل؛ اولین آنها، سال ۱۹۵۰ (UN GA.Res. 5/412D, 4 Dec. 1950) و آخرین آنها، سال ۱۹۷۰، (UN GA.Res. 25/2734, 16 Dec. 1970)، اعلامیه یونسکو در خصوص اصل همکاری فرهنگی بین‌المللی ۱۹۶۶، سند نهایی کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر در تهران ۱۹۶۸، اعلامیه و برنامه عمل و پروتکل الحاقی به کنواسیون‌های ژنو در خصوص قربانیان جنگ ۱۹۷۷.

70. Human Rights Committee, General Comment 12(1984).

۲-۲-۲- حق بر صلح^{۷۱} و تعامل آن با حقوق بشر

یافته‌های مطالعات صلح، حاکی از آن است که صلح را باید چیزی فراتر از فقدان جنگ دانست، «صرف عدم وجود جنگ، تضمین نمی‌کند که در آینده نیز جنگی رخ ندهد»^{۷۲}.

تا پیش از سال ۱۹۴۵ حمایت از حقوق بشر، بیشتر در صلاحیت داخلی کشورها قرار داشت و حقوق بین‌الملل عرفی نیز برای دولت‌ها هیچ محدودیتی نسبت به آزادی آنها در برخورد با اتباعشان، قائل نبود^{۷۳}. اما منشور سازمان ملل ارتقاء و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را در گروهی دستیابی به همکاری بین‌المللی که یکی از اهداف خود معرفی می‌نماید، دانست^{۷۴} و بر اهمیت صلح بین‌المللی در تحقق حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین تأکید نمود^{۷۵}. از این روست که، در صورت وقوع نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر، ارکان ملل متحد^{۷۶}، مقررات منشور در مورد حقوق بشر را یک اساس حقوقی کافی برای دخالت^{۷۷}، در نظر گرفته‌اند. به بیان دیگر، امروزه، بنیادی‌ترین قواعد حقوق بشر از نظر حقوقی به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است که برای تمامی کشورها الزام‌آور دانسته می‌شود. چنانچه دیوان در قضیه نامیبیا با معایر قلمداد کردن اصول و اهداف منشور دانستن رویه آپارتاید و قوانین آفریقای جنوبی، آن را نقض مقررات و اصول منشور قلمداد نمود^{۷۸}.

«در جریان تنظیم پیش‌نویس طرح مسؤولیت دولت‌ها توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۱ در اثنای مباحث مربوط به ماده ۱۹ این توافق حاصل شد که جنایت علیه صلح و امنیت بشر از موارد ذیل منتج می‌شود: نقض جدی یک تعهد بین‌المللی با اهمیت زیاد برای حراست از حق تعیین سرنوشت ملل، نقض جدی یک تعهد در سطح گسترده با اهمیت اساسی برای محافظت و پاسداری از محیط زیست انسانی. کمیسیون در این طرح، تفکیک

۷۱. صلح افزون بر نبود جنگ به معنی نیل به آزادی، عدالت اجتماعی و همبستگی است.

۷۲. امیرسعد و کیل، *حقوق بشر، صلح و امنیت جهانی* (تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۳)، ۱۱۸.

۷۳. تنها موارد نادری از تعهدات قراردادی در زمینه حقوق بشر به ویژه در مورد بردگی و اقلیت‌ها، آن هم در قلمرویی محدود، قابل مشاهده است.

۷۴. ماده ۱؛ بند ۳، ماده ۵۵، ماده ۵۶، منشور سازمان ملل متحد.

۷۵. مقدمه منشور سازمان ملل متحد.

۷۶. ارگان سازمان ملل بدون توجه به تعهدات حقوقی مشخص تری که بر آن اساس کشورها موظف به احترام

به حقوق بشر باشند، اقدام می‌کنند.

77. Cf. Rajan, *United Nations and Domestic Jurisdiction* (Oxford: Oxford University Press, 1961), 289-296.

78. "Case of South Africa in Namibia," (Advisory Opinion, I.C.J Reports 1971), Para. 129-131.

مهمی میان دو مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی و صلح و امنیت نوع بشر مطرح می‌سازد. در دیدگاه اکثریت اعضای کمیسیون، صلح و امنیت بین‌المللی مترادف با عدم جنگ‌طلبی بوده و ناظر بر روابط مسالمت‌آمیز میان کشورهاست. در حالی که صلح و امنیت نوع بشر، دربرگیرنده زمینه‌ای وسیع‌تر بوده و نه تنها اقدامات ارتكابی یک کشور علیه کشور دیگر را در برمی‌گیرد، بلکه اقدامات ارتكابی علیه ملت‌ها را نیز تحت شمول خود قرار می‌دهد»^{۷۹}.

اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در مقدمه خود مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان را شناسایی کرامت ذاتی، حقوق برابر و غیر قابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشری بیان می‌کند، چنین عبارات مشابهی را در نخستین بندهای مقدمه میثاقین حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز می‌توان مشاهده کرد. حق زیستن در صلح به عنوان یکی از حقوق بشری، در اسناد بین‌المللی دیگری چون پیمان بریان - گلوک، اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری میان کشورها (طبق منشور) مصوب ۲۴ اوت ۱۹۷۰ مجمع عمومی سازمان ملل، سند پایانی هلسینکی مصوب اوت ۱۹۷۵، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۵ اوت ۱۹۹۰ میلادی مصوب وزیر امور خارجه سازمان همکاری کشورهای اسلامی در قاهره و ... آمده و بدان پرداخته شده است.

فراخوانی به جایگاه صلح و امنیت^{۸۰} در پرتوی احترام به حقوق بشر دست‌یافتنی خواهد بود و نقض فاحش حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، عاملی احتمالی برای خدشه به صلح و امنیت جامعه بین‌المللی تلقی خواهد شد^{۸۱}. به دیگر سخن، تلاش برای حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین با پیشگیری از بروز جنایات و تحقق عدالت کیفری به ثمر می‌رسد و ارمغان دستیابی به این مهم، صلح و امنیت بین‌المللی خواهد بود.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان اعمال تبعیض در برخورداری مسلمانان از حقوق و آزادی‌های اولیه و بنیادین بشری، عدم برخورداری از حق برابری^{۸۲}، سلب حیات^{۸۳} به عنوان بنیادی‌ترین حق بشری^{۸۴}، سلب امنیت^{۸۵} و مالکیت^{۸۶}، عدم شناسایی هویت و تابعیت^{۸۷} برای

۷۹. وکیل، حقوق بشر، صلح و امنیت جهانی، پیشین، ۱۵۳.

۸۰. سوره یونس، آیه ۲۵.

81. UN. GA.Res. 24/14/1417, 6 Jun 1962.

۸۲. ماده ۷، اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۸۳. ماده ۳، اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۸۴. این حق به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی برای تمامی کشورها الزام‌آور است.

۸۵. ماده ۳، اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۸۶. ماده ۱۷، اعلامیه جهانی حقوق بشر.

آنها در میانمار را، از جمله موارد نقض حقوق بشر برشمرد که صلح را مختل می‌نماید. چه بسا برخی ادعاهای برقراری صلح، خود دستاویزی جهت نقض حقوق بشری و در نهایت نقض صلح قرار بگیرند؛ اقدامات نظامیان تحت عنوان برقراری نظم با نگاهی نژادپرستانه از جمله اقدامات سرکوبگرانه و حتی محرک خشونت‌ها علیه مسلمانان در زمره این قبیل ادعاها به شمار می‌روند.

۲-۳- نقش شورای حقوق بشر در بحران میانمار

«در منشور سازمان ملل متحد پیوند ظریفی میان رعایت حقوق بشر و حفظ صلح و امنیت جهانی برقرار شده است»^{۸۸} و سه نهاد اصلی ملل متحد که مسؤلیت حفظ و ارتقای حقوق بشر و به تبع آن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را عهده‌دار هستند، عبارتند از: شورای امنیت، مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر که جای خود را به شورای حقوق بشر داده است. در این بند به بررسی اجمالی نقش شورای حقوق بشر در برخورد با بحران میانمار که می‌تواند از طریق اعمال صلاحیت بررسی بر اجرای حقوق بشر در میانمار، اقدام به تشکیل جلسه فوق‌العاده و صدور توصیه‌نامه نموده و با احراز موارد نقض حقوق بشر و عدم رعایت این موارد از سوی دولت میانمار مانع از عضویت احتمالی این دولت در آینده در شورای حقوق بشر شود، می‌پردازیم.

۲-۳-۱- بررسی اجرای حقوق بشر

همان‌طور که بیان شد، به موجب ماده ۶۸ منشور ملل متحد، شورای اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۹۴۶ طی قطعنامه‌ای، اقدام به تأسیس کمیسیون حقوق بشر نمود (گفتار اول، بند سوم، جزء اول)، اما به دلایل مختلف این کمیسیون در اجرای وظایف خود موفقیت چندانی کسب نکرد و مجمع عمومی به موجب قطعنامه ۶۰/۲۵۱ در سال ۲۰۰۶ با تأسیس شورای حقوق بشر به عنوان رکن فرعی خود، این شورا را جایگزین کمیسیون حقوق بشر نمود (گفتار اول، بند سوم، جزء دوم و بند سوم).

۸۷. ماده ۱۵، اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۸۸. سید قاسم زمانی، «نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر»، از کمیسیون تا شورای حقوق بشر سازمان ملل

متحد»، پیشین، ۳۰۱.

قطعه‌نامه ۶۰/۲۵۱ مجمع عمومی در واقع اساسنامه شورای حقوق بشر است که به موجب آن مأموریت‌ها و وظایفی^{۸۹} جهت حمایت و نظارت از حقوق بشر به شورا محول شده است. یکی از مأموریت‌های شورای حقوق بشر اعتلای حقوق بشر و اجرای کامل تعهدات دولت‌ها در این زمینه می‌باشد. این شورا بر مبنای اطلاعات عینی و موثق، در سطح جهانی، اقدام به بررسی اجرای حقوق بشر توسط هر دولت می‌نماید. شورا مأموریت یافته است تا برای جلوگیری از نقض حقوق بشر به گفتگو و همکاری پرداخته و در قبال وضعیت‌های اضطراری حقوق بشر اقدامات فوری، معمول دارد.

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، بررسی اجرای حقوق بشر از سه طریق در شورا صورت می‌گیرد: ۱) سیستم نظارت ادواری جامع و جهانی؛ ۲) توجه و بررسی وضعیت‌های متضمن نقض‌های فاحش و سیستماتیک حقوق بشر؛ ۳) بررسی دیگر وضعیت‌های مشتمل بر نقض حقوق بشر.

سیستم نظارت ادواری جامع و جهانی شورای حقوق بشر بر پایه اطلاعات عینی و موثق در مورد تعهدات و الزامات ناشی از حقوق بشر توسط هر دولت به صورت ادواری و در سطح جهانی به بررسی می‌پردازد. در این شیوه شورای حقوق بشر نه تنها حق دارد بلکه مکلف است در مورد تعهدات هر دولت در زمینه حقوق بشر به صورت ادواری و فراگیر به بررسی بپردازد. شورای حقوق بشر قطع نظر از شدت و وخامت وضعیت، مکلف به اعمال نظارت شده و این امر صلاحیت شورا را محدود به نقض‌های فاحش و سیستماتیک نکرده است.

با توجه به وقایع رخ داده در میانمار و نیز آنچه در خصوص نقض حقوق بشر در این کشور ذکر شد (گفتار دوم، بند دوم، جزء اول) و نظر به اینکه گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد و کمیسیون عالی دیده‌بان حقوق بشر در این خصوص اقدام به صدور گزارش‌هایی حاکی از نقض‌های حقوق بشر در آن کشور نموده‌اند، آیا نمی‌توان عینی بودن و موثق بودن این گزارش‌ها را مبنایی برای اقدام به بررسی وضعیت میانمار توسط شورای حقوق بشر دانست؟ بدیهی است این گزارش‌ها می‌تواند از منابع موثق جهت اقدام شورای حقوق بشر به شمار آیند.

همچنین بند ۳ قطعه‌نامه ۶۰/۲۵۱ بر لزوم همکاری شورای حقوق بشر با دیگر نهادهای ملل متحد در حوزه حقوق بشر تأکید نموده است. این بدان معناست که شورای حقوق بشر

رأساً^{۹۰} می‌تواند اقدام به تأسیس هیئت یا کمیسیون تحقیق و یا درخواست از دیگر نهادهای حقوق بشری سازمان ملل جهت بررسی موارد نقض حقوق بشر نماید. علاوه بر این، کسب اطلاعات موثق از منابع قابل اطمینان، لزوم همکاری شورا با نهادهای ملی حقوق بشر، سازمان‌های غیردولتی و دارای مقام مشورتی در نزد شورای اقتصادی - اجتماعی و نیز دیگر نهادهای متخصص در زمینه حقوق بشر، را ایجاب می‌نماید.

عملکرد شورا حاکی از آن است که اهمیت و توجه به وضعیت‌های نقض حقوق بشر به طور ویژه مورد توجه شورا بوده و تاکنون در این زمینه در چارچوب وظایف خود عمل نموده است.

«همبستگی بین مسائل حقوق بشری و مفاهیم صلح و امنیت بین‌المللی که در سند تأسیس شورای حقوق بشر نیز بر آن تأکید شده است در قالب گزارش گلدستون به عینیت رسیده»^{۹۱} و عملکرد شورای حقوق بشر به عنوان یک نهاد نظارتی و حمایتی حقوق بشری سازمان ملل در بررسی سریع به وضعیت حقوق بشر در غزه و سرزمین‌های اشغالی فلسطین و اعزام هیئت حقیقت‌یاب و تصویب گزارش گلدستون و فراهم کردن زمینه ورود دیوان بین‌المللی کیفری جهت حمایت از حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین ناظر بر اجرای وظایف شورا به موجب سند تأسیس خود می‌باشد.^{۹۲} از این رو انتظار می‌رود تا شورا همچنان به دور از هرگونه ملاحظه‌کاری، اقدام به بررسی وضعیت اجرای حقوق بشر در میانمار نموده و زمینه حمایت از حقوق اقلیت‌های مسلمان این کشور را فراهم آورد.

۲-۳-۲- تشکیل جلسات فوق‌العاده و صدور توصیه‌نامه

از دیگر توجهات شورا در موارد نقض حقوق بشر، تشکیل جلسات فوق‌العاده جهت پاسخگویی به بحران‌های بین‌المللی در این زمینه می‌باشد. عملکرد شورای حقوق بشر نشانگر تشکیل جلسات متعددی در موارد نقض حقوق بشر بوده است. از جمله تشکیل جلساتی در برابر عملیات نظامی اسرائیل (جلسه پنجم و ششم ژوئیه ۲۰۰۶)، بررسی و اتخاذ تصمیم و اقدامات

۹۰. چنانچه در گزارش گلدستون هیئت حقیقت‌یاب از سوی رئیس شورای حقوق بشر به منظور بررسی حقایق درگیری‌های غزه منصوب گردید.

۹۱. محسن امیدزمانی، «ناکامی شورای حقوق بشر در حمایت مؤثر از حقوق بشر در غزه با نگاهی به گزارش گلدستون»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی ۸ (۱۳۹۰)، ۵۸.

۹۲. همان، ۵۸-۵۹.

لازم جهت نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در لبنان و قتل عام مردم بی‌گناه گانا توسط رژیم صهیونیستی (جلسه یازدهم اوت ۲۰۰۶) و نیز تجاوزهای نظامی و نقض فاحش حقوق بشر توسط اسرائیل^{۹۳}.

شورا باید با توجه به آنچه در میانمار در حال وقوع است و هر روز اخبار جدیدتری از نقض گسترده حقوق بشر نسبت به اقلیت مسلمانان به دست می‌رسد، صلاحیت خود را در تشکیل جلسات فوق‌العاده اعمال نموده و اقدام به تشکیل جلسه فوق‌العاده جهت بررسی وضعیت نقض حقوق بشر در میانمار نماید.

بدیهی است ادامه روند خشونت‌ها منجر به آواره شدن جمع کثیری از مسلمانان منطقه به کشورهای مجاور خواهد شد که این امر کشورهای مزبور را دچار وضعیت‌های خاص در برخورد با پناهندگان و آوارگان می‌نماید که خود پیامدهای اقتصادی و اجتماعی فروانی خواهد داشت و ممکن است گستره بحران را به خارج از مرزهای ملی کشانده و جامعه بین‌المللی را با بحران جدیدی مواجه سازد.

از دیگر اقدامات شورای حقوق بشر در ترویج و حمایت از حقوق بشر، صدور توصیه‌نامه و تقدیم گزارش سالانه از عملکرد خویش در زمینه نظارت بر اجرای حقوق بشر به مجمع عمومی سازمان ملل، می‌باشد^{۹۴}.

اگرچه از نظر حقوقی، توصیه‌نامه دارای ماهیت الزام‌آوری نمی‌باشد و طرفی که این تصمیم بر علیه او اتخاذ شده است می‌تواند آن را رعایت ننماید ولی با توجه به ذیل بند ۳ قطعنامه ۶۰/۲۵۱ که مقرر می‌دارد «شورا می‌تواند سعی در هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیستم حقوق بشر سازمان ملل نماید، به نحوی که مسائل حقوق بشر به صورت سیستماتیک از جانب تمام ارگان‌های سیستم مورد لحاظ قرار گیرد»، «چنین استنباط می‌شود که در صورت نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر از جانب هر کشوری و عدم توجه آن به توصیه‌های شورای حقوق بشر، شورا می‌تواند با استناد به بند ۳ ماده ۱۱ منشور از طریق مجمع عمومی به طرح موضوع در شورای امنیت سازمان ملل بپردازد. شورای امنیت نیز پس از طرح موضوع می‌تواند در قالب فصل هفتم منشور به ارائه توصیه و در نهایت به اتخاذ

۹۳. برای مطالعه بیشتر رک: سیدباقر میرعباسی، رزی میرعباسی، نظام جهانی ارزیابی و حمایت از حقوق بشر (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۷)، ۵۷-۵۹.

۹۴. این توصیه‌نامه‌ها می‌تواند خطاب به ارکان مختلف سازمان ملل یا دولت‌ها باشد. چنانچه در پاراگراف شماره ۱۹۶۹ گزارش گلدستون به شورای امنیت توصیه‌هایی در خصوص اقدام به دریافت گزارش در موارد ارتكابی نقض حقوق بشر از طرفین درگیر در جنگ غزه نموده است.

تصمیمات الزام‌آور بر ضد کشور مربوطه پردازد»^{۹۵}. به نظر می‌رسد اقدام شورای حقوق بشر در قبال میانمار و نیز صدور توصیه‌نامه جهت الزام وی به احترام به رعایت و تضمین حقوق بشری اقلیت‌ها در این کشور، حتی اگر مورد توجه دولت میانمار قرار نگیرد، می‌تواند توجه جامعه بین‌الملل و نهادهای مدعی حقوق بشر را به نقض فاحش این حقوق در میانمار جلب نماید. چه بسا این اقدام شورای حقوق بشر خواهد توانست بحران میانمار را از طریق شورای امنیت به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع نماید که بررسی این امر خود نیازمند مبحث دیگری است که از حوصله این مقاله خارج است.^{۹۶}

همچنین گزارش شورای حقوق بشر به مجمع عمومی نیز می‌تواند راه‌گشای توجه جهانی به مسئله میانمار باشد، چراکه عملکرد مجمع عمومی به عنوان یکی از نهادهای موظف جهت اعتلای حقوق بشر و پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی، گویای قدرت این نهاد در برخورد با موارد نقض حقوق بشر و تهدید یا مخاطره صلح می‌باشد.

۲-۳-۳- تعلیق عضویت

چنانچه عضوی از انجام تعهداتش در رابطه با رعایت حقوق بشر کوتاهی نموده و به نقض فاحش این حقوق پرداخته باشد، عضویت آن بنا به تقاضای شورای حقوق بشر و با تصمیم اکثریت ۲/۳ اعضای حاضر و رأی‌دهنده در مجمع عمومی به حال تعلیق در می‌آید. از جمله آثار این تعلیق، عدم داشتن حق شرکت در جلسات شورا و در نتیجه عدم داشتن حق رأی می‌باشد. در صورت اثبات نقض حقوق بشر از طرف کشورهای عضو شورا، عضویت آنها بعد از یکبار تذکر مبنی بر اصلاح رفتار خود در صورت تکرار، باطل می‌شود.^{۹۷} اگرچه میانمار در حال حاضر عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل نمی‌باشد، اما بدیهی است که اقدامات این دولت در عدم پیشگیری ادامه نقض حقوق بشر در آن کشور می‌تواند از موانع اصلی و معیارهای مهم در مجمع عمومی در صورت درخواست این کشور برای عضویت در شورا به‌شمار آید.

۹۵. مصطفی تقی‌زاده انصاری، «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد»، *اندیشه‌های حقوق سیاسی* ۱۳، ۱۳۷.

۹۶. برای مطالعه در این خصوص رک: فاطمه فتح‌پور، مرضیه قلندری، «بحران میانمار، آزمونی برای شورای امنیت در چارچوب نظم حقوقی بین‌المللی»، *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۲۳ (۱۳۹۲)، ۱۸۳-۱۵۷.

۹۷. این مکانیسم، نقیصه‌ای که در کمیسیون حقوق بشر که متضمن برخورد دوگانه‌ای با ناقضان حقوق بشر بود را رفع کرده است. در کمیسیون حقوق بشر اگر کشورهای عضو خود به نقض حقوق بشر می‌پرداختند، با مجازات تعلیق روبرو نمی‌شدند.

نتیجه

برگ‌های سیاه تاریخ فجایع انسانی به ویژه جنگ دوم جهانی، تأسیس سازمان ملل متحد، تصویب اسناد مهم بین‌المللی حقوق بشری، پایان جنگ سرد و برپایی کنفرانس حقوق بشر وین، همگی نقاط عطف تاریخی در تقویت ایده ارتباط حقوق بشر با صلح و امنیت بین‌المللی هستند. در این مسیر است که عنان از اصل حاکمیت مطلق کشورها که اختیار انحصاری دولت‌ها را در رفتار با اتباع خود می‌پذیرفت، اندکی به نفع افراد بشری گشوده شد و حقوق بشر را به حقیقتی بین‌المللی مبدل ساخت. تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز اعلانی رسمی بر تعهد دولت‌ها در رعایت بنیادی‌ترین اصول حقوق بشری و قاعده‌مند ساختن آن به شمار می‌رود که با تصویب دو میثاق حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جنبه الزام‌آوری یافته است.

در این میان صلح به مثابه یک ارزش، سیر تحول خود را طی نموده و در قطعنامه ۲۹۰ مجمع عمومی در سال ۱۹۴۹ به اوج تحول خود رسیده است. مجمع عمومی در این قطعنامه اعلام می‌نماید یکی از ضروریات صلح راه، ارتقای حقوق بنیادین مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر از جمله ارزش و کرامت انسانی می‌داند. بر این مبناست که نهضت صلح‌گرایی و توجه به ارزش‌های بنیادین حقوق بشری و حمایت و نظارت بر اجرای آن در حرکت‌های بین‌المللی و در سه حوزه ملی، منطقه‌ای و جهانی آغاز می‌گردد.

جایگاه رفیع حاکمیت و اختیار اعمال هرگونه رفتاری با اتباع، منجر به افزایش موارد نقض حقوق بشر در قلمروی سرزمینی دولت‌ها شده است. اگرچه توسل فزاینده محاکم داخلی در اعمال صلاحیت جهانی فراتر از اصول کلاسیک اعمال صلاحیت کیفری یعنی صلاحیت سرزمینی، روزنه‌های جدیدی جهت مقابله با نقض حقوق بشر توسط دادگاه‌های ملی گشوده است^{۹۸} اما در تضمین رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نمی‌توان به ساز و کارهای ملی اکتفاء نمود. از این رو نهادهای حمایتی از حقوق بشر در سطح منطقه‌ای و جهانی گسترش یافته و رو به توسعه است.

نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر و تضمین صلح و امنیت جهانی در سازمان ملل متحد به عهده سه رکن شورای امنیت، مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بین‌الملل گذاشته شده

۹۸. برای مطالعه درباره صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل، رک: علی خالقی، «مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل»، مجله پژوهش‌های حقوقی ۲ (۱۳۸۲)، ۵۷-۳۵.

است. هریک از نهادهای مذکور نیز با توجه به مبنای صلاحیتی خویش، سعی در اعتلای حقوق بشر و تأمین صلح نموده‌اند.

اقدامات شورای امنیت و مجمع عمومی در اغلب موارد برمبنای گزارش‌هایی است که توسط دیگر نهادهای حقوق بشری از جمله کمیسیون حقوق بشر، به آنان تسلیم می‌گردد. همان‌طور که اشاره شد، کمیسیون حقوق بشر که به موجب ماده ۶۸ منشور ملل متحد تأسیس شده بود با ضعف‌های ساختاری و سیاسی کاری‌ها و نیز گزینشی عمل نمودن در برخورد با موارد نقض حقوق بشری، به تصمیم مجمع عمومی و به موجب قطعنامه ۶۰/۲۵۱ جای خود را به شورای حقوق بشر داد و تمامی وظایف کمیسیون در صلاحیت شورا قرار گرفت، از جمله صلاحیت تسلیم گزارش‌های ناظر بر نقض حقوق بشر به مجمع عمومی و شورای امنیت. در بررسی عملکرد کمیسیون، می‌توان به ارزنده‌ترین فعالیت آن یعنی تهیه متن اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین اشاره کرد.

نگاهی به قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد نشان‌دهنده آن است که کشور میانمار همواره در ایفای تعهدات خود در احترام و رعایت حقوق بشر با مشکلات فراوانی دست به گریبان بوده است. وقایع بحران اخیر میانمار که علیه اقلیت مسلمان این کشور رخ داده است، از موارد نقض حقوق بشری است که رسیدگی و توجه شورای حقوق بشر را در این مورد می‌طلبد. قتل، تجاوز، سوزاندن دسته‌جمعی و ... از جمله خشونت‌هایی است که در منطقه روینگیا به وقوع می‌پیوندد و جامعه بین‌المللی و نهادهای بشری از جمله شورای حقوق بشر در این خصوص، سکوت اختیار کرده‌اند.

نقض حقوق بنیادین بشر از جمله حق حیات، حق تعیین سرنوشت و نقض اصولی چون اصل برابری و عدم تبعیض و انواع محرومیت‌ها از مواردی است که در گزارش‌های گزارشگر ویژه سازمان ملل و نیز کمیسر عالی دیده‌بان حقوق بشر به صراحت ذکر شده است و ادامه این روند می‌تواند گستره آن را به خارج از مرزهای دولت میانمار کشانده و صلح و امنیت بین‌المللی را با خطر جدی مواجه نماید. چرا که، «منافع زیربنایی جامعه بین‌المللی بر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی استوار است... باید به یاد داشت که هسته تعهدات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از تعهدات عام‌الشمول سرچشمه می‌گیرند. و همه دولت‌ها در حمایت از این حقوق از نفع حقوقی برخوردارند...»^{۹۹}. زیستن در صلح یکی از حق‌های

۹۹. امیرسعد و کیل، ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر، تعهد به ترغیب و تضمین رعایت (تهران: نشر میزان،

بنیادین بشری است که امنیت جهانی را به ارمغان می‌آورد و تمامی دولت‌ها و ملت‌ها را متمتع می‌سازد.

چگونه می‌توان پرچمدار اعتلای حقوق بشر و رعایت صلح و امنیت بین‌المللی بود اما به مواردی که این مهم را به مخاطره می‌افکند توجهی نداشت و در برابر نقض حقوق بشر که پایه و اساس امنیت و در گروی آن است، بی‌تفاوت بود؟! و متولیان حقوق بشر چه واکنشی در برابر نسل‌کشی در میانمار داشته‌اند؟ و آیا در این میان شورای حقوق بشر به عنوان یکی از عهده‌داران ارتقای حقوق بشر و حامیان صلح بین‌المللی در ایفای وظایف خود به موجب قطعنامه ۶۰/۲۵۱ که سند تأسیس آن نیز محسوب می‌شود چه گام‌هایی برداشته است؟

سند تأسیس این شورا، او را موظف می‌داند تا در برابر کلیه موارد نقض حقوق بشری و نه فقط نقض‌های فاحش و گسترده توسط دولت‌ها، اقدامات فوری مبذول داشته و حتی دستور تشکیل جلسه فوق‌العاده صادر نماید. چنانچه اشاره شد، عملکرد شورا نیز حاکی از آن است که بارها اقدام به برپایی جلساتی در خصوص بررسی موارد نقض حقوق بشر نموده است. همچنین، صدور توصیه‌نامه توسط شورا، علیه دولت میانمار نسبت به نقض‌های فاحش و سیستماتیک صورت گرفته در این کشور، می‌تواند راه را برای مداخله شورای امنیت در حل این بحران، باز نماید. اگرچه، شورای حقوق بشر سازمان ملل در این خصوص اقدام به صدور تنها، یک قطعنامه^{۱۰۰} نموده و تنها به ابراز نگرانی جدی خود از وضعیت مردم راخین اکتفاء کرده است.

همچنین نمی‌توان واکنش نهادها و سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری همچون کمیسیون اسلامی حقوق بشر^{۱۰۱} و دیده‌بان حقوق بشر را نادیده گرفت. اما، متأسفانه اقدامات

100. "A/HRC/RES/21/14," United Nations Human Rights Office of the High Commissioner for Human Rights, Accessed 10 April, 2013, http://ap.ohchr.org/documents/dpage_e.aspx?b=10&c=125&t=11.

۱۰۱. با توجه به اهداف کمیسیون اسلامی حقوق بشر که در جهت ارتقاء و رشد و حمایت از حقوق بشر به ویژه مسلمانان تعریف شده است، صدور تنها چند بیانیه در این خصوص، حاکی از عدم توجه کافی این نهاد به نقض گسترده حقوق بشر علیه مسلمانان میانمار می‌باشد.

برای مطالعه بیشتر در خصوص عملکرد این نهاد غیردولتی نک:

"UK-based campaign urges an end to Myanmar violence," Islamic Human Rights Commission, Last modified April 03, 2013, <http://www.ihr.org.uk/news/ihr-in-media/10481-uk-based-campaign-urges-an-end-to-myanmar-violence>.

"FORWARDED PRESS RELEASE: Stop the Violence against Rohingyas," Islamic Human Rights Commission, Last modified June 12, 2012, <http://www.ihr.org.uk/activities/press-releases/10173--forwarded-press-release-stop-the-violence-against-rohingyas>.

"Myanmar's Muslims: The Oppressed of the Oppressed," Islamic Human Rights Commission, Last modified October 11, 2005, <http://www.ihr.org.uk/publications/reports/6506-myanmar-s-muslims-the-oppressed-of-the-oppressed>

این نهادها در صدور چند بیانیه و کنفرانس‌های خبری خلاصه شده است^{۱۰۲}، ولی انتظار می‌رود این نهادها و سازمان‌ها با ارائه گزارش‌ها و دیگر اقدامات در صلاحیتشان، هم جهت تنویر افکار عمومی هم و هم جهت ترغیب جامعه بین‌المللی و نهادهای متولی حقوق بشری برای اقدامات هماهنگ در برابر این نسل‌کشی گام بردارند.

بانکی مون، دبیرکل ملل متحد هم در در ۴ نوامبر ۲۰۱۴ به هنگام شرکت در نشست آسه آن اعلام کرد که مقامات و مردم میانمار می‌توانند بر کمک‌های ملل متحد در ادامه فرایند دموکراتیک شدن و توسعه کشور خود حساب کنند. او همچنین به مقامات میانمار یادآور شد که جمعیت روهینگیا در آن کشور با تبعیض و خشونت رو به رو هستند و از آنها خواست که اقداماتی را در مقام تحریک نسبت به آنها انجام دهد^{۱۰۳}.

نتیجه آنکه، همبستگی مسائل حقوق بشری و مفاهیم صلح و امنیت بین‌المللی، نهادهای نظارتی و حمایتی حقوق بشر را مکلف داشته است تا با هدف پیشگیری و مقابله با وضعیت‌های مغایر صلح و امنیت بین‌المللی مانع تکرار تجرب تلخ آنچه بر جامعه بین‌المللی در خلال جنگ‌های اول و دوم جهانی رفته است، گردند. به دیگر سخن، «رعایت حقوق بشر، پایه حمایت از امنیت انسانی است»^{۱۰۴} و بدیهی است با این وصف، چشم فروستن بر نقض فاحش این حقوق مانع بزرگی بر مسیر اجرای حقوق بشر و به تبع آن دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی خواهد بود.

۱۰۲. چنانچه می‌دانیم در بسیاری موارد سازمان‌های غیردولتی قادر به تشکیل کمیته‌های حقیقت‌یاب بوده که گزارش‌های آن به عنوان «ابزار مؤثر و مستندی برای اعمال فشار به دولت‌ها برای جلوگیری از نقض موازین حقوق بشر است». برای نقش‌ها و شیوه‌های عملکردی سازمان‌های غیردولتی، رک: محمودرضا گلشن‌پژوه، فردین خرازی و حسین سپهر، *سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی حقوق بشر و نقض حقوق بشر در کشورهای غربی* (تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۶)، ۲۷-۲۴.

103. "In Myanmar, Ban urges greater capacity in Southeast Asia to promote human rights, justice," Un News Centre, Last modified November 12, 2014, http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=49318#.VGoU_vmUcxA.

۱۰۴. امیرسعد و کیل، *ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر، تعهد به ترغیب و تضمین رعایت، پیشین*، ۵۷.

فهرست منابع

- آقایی، بهمن. فرهنگ حقوق بشر. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶.
- امیدزمانی، محسن. «ناکامی شورای حقوق بشر در حمایت مؤثر از حقوق بشر در غزه با نگاهی به گزارش گلدستون». فصلنامه مطالعات بین‌المللی ۸ (۱۳۹۰): ۳۹.
- پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه. «اسلام در میانمار». تاریخ دسترسی ۲۳ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/4180/4754/38536>.
- پایگاه خبری تحلیلی صراط. «ماجراهای افتخارآمیز یک مقام سابق اجرایی کشور». تاریخ دسترسی ۲۲ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.seratnews.ir/fa/news/7252>.
- تقی‌زاده انصاری، مصطفی. «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد». اندیشه‌های حقوق سیاسی ۱۳ (۱۳۸۷): ۱۱۷-۱۴۲.
- خالقی، علی. «مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل». مجله پژوهش‌های حقوقی ۲ (۱۳۸۲): ۵۷-۳۵.
- خبرآنلاین (خبرگزاری تحلیلی ایران). تاریخ دسترسی ۲۲ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.khabaronline.ir/detail/232410>.
- خبرگزاری صدا و سیما. تاریخ دسترسی ۲۳ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.iribnews.ir/NewsText.aspx?ID=1820798>.
- خبرگزاری صدا و سیما. تاریخ دسترسی ۲۳ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.iribnews.ir/NewsText.aspx?ID=1705913>.
- خبرگزاری فارس. «میانمار کجاست؟/مسلمانان میانمار چه کسانی هستند؟». تاریخ دسترسی ۲ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910427001287>.
- زمانی، سید قاسم. «حمایت از اقلیت‌ها در اسناد جهانی حقوق بشر». مجله پژوهش حقوق و سیاست ۱۵ و ۱۶ (۱۳۸۴): ۱۸۶-۱۴۵.
- زمانی، سید قاسم. «نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر: از کمیسیون تا شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد». مجله پژوهش‌های حقوقی ۹ (۱۳۸۵): ۳۱۴-۲۹۵.
- شفقنا. تاریخ دسترسی ۲۳ فروردین ۱۳۹۲، <http://afghanistan.shafaqna.com/articles/item/11255>.
- فتح‌پور، فاطمه، مرضیه قلندری. «بحران میانمار، آزمونی برای شورای امنیت در چارچوب نظم حقوقی بین‌المللی». مجله پژوهش‌های حقوقی ۲۳ (۱۳۹۲): ۱۸۳-۱۵۷.
- فردا نیوز. «بر مسلمانان میانمار چه می‌گذرد؟». تاریخ دسترسی ۲۳ فروردین ۱۳۹۲، <http://www.fardanews.com/fa/news/210379>.
- فلسفی، هدایت‌الله. «جایگاه بشر در حقوق بین‌الملل معاصر». مجله تحقیقات حقوقی ۱۸ (۱۳۷۵): ۲۶۸-۲۱۱.
- قرآن کریم

گلشن پژوه، محمودرضا، فردین خرازی و حسین سپهر. *سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی حقوق بشر و نقض حقوق بشر در کشورهای غربی*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۶.

مهرپور، حسین. *نظام بین‌المللی حقوق بشر*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷.
میانمار بلاگفا. «بیش از ۲۲ هزار آواره، نتیجه خشونت‌های قومی در میانمار». تاریخ دسترسی ۲۳ فروردین ۱۳۹۲،

<http://miyanmar.blogfa.com>.

میرعباسی، سیدباقر، رزی میرعباسی. *نظام جهانی ارزیابی و حمایت از حقوق بشر*. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.

وکیل، امیرساعد. *ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر، تعهد به ترغیب و تضمین رعایت*. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.

وکیل، امیرساعد. *حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی*. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۳.
“A-More Secure world: our shared Responsibility of High level Panel on Threats, challenges, and changes.” New York UNDP. 2001. WWW.Un.Org/secureworld.
“Case of South Africa in Namibia,” Advisory Opinion, I.C.J Reports 1971.
“In Larger Freedom: Towards developments, security and human rights for all”. UN. Doc. A/59/2005.

Alston, Philip. *Appraising the United Nations and Human Rights: A Critical Appraisal*. Oxford: Clarendon Press, 1995.

<http://ap.ohchr.org/documents>

Human Rights Committee, General Comment 12(1984).

Human Rights committee, General Comment 6 (1982).

Islamic Human Rights Commission. “FORWARDED PRESS RELEASE: Stop the Violence against Rohingyas.” Last modified June 12, 2012. <http://www.ihr.org.uk/activities/press-releases/10173--forwarded-press-release-stop-the-violence-against-rohingyas>.

Islamic Human Rights Commission. “Myanmar's Muslims: The Oppressed of the Oppressed.” Last modified October 11, 2005. <http://www.ihr.org.uk/publications/reports/6506-myanmar-s-muslims-the-oppressed-of-the-oppressed>.

Islamic Human Rights Commission. “UK-based campaign urges an end to Myanmar violence.” Last modified April 03, 2013. <http://www.ihr.org.uk/news/ihr-in-media/10481-uk-based-campaign-urges-an-end-to-myanmar-violence>.

Leach, Philip. *Taking a Case to the European Court of Human Rights*. 2nd Ed. Oxford, 2005.

P.Humphery, John. “The International Bill Of Rights: scope and *Implementation*.” *William and Mary Law Review* 17 (1976).

Rajan, Cf. *United Nations and Domestic Jurisdiction*. Oxford: Oxford University Press, 1961.

Sieghart, Paul. *The International Law of Human Rights*. Oxford: Clarendon Press, 1983.

The International Convention on Economic, Social and Cultural Rights, 1966.

The International Covenant on Civil and Political Rights, 1966.

The Universal Declaration of Human Rights.

Un News Centre. “In Myanmar, Ban urges greater capacity in Southeast Asia to promote human rights, justice.” Last modified November 12, 2014. http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=49318#.VGoU_vmUcxA.

UN. Doc. A/60/L.48,A/Res./60/251.

UN. GA .Res. 15/14, 14 Dec 1960.

UN. GA .Res. 24/14/1417, 6 Jun 1962.

UN. GA .Res. 25/2734, 16 Dec 1970.

UN. GA .Res. 5/412D, 4 Dec 1950.

United Nations Charter.

United Nations Human Rights Office of the High Commissioner for Human Rights.
“A/HRC/RES/21/14.” Accessed April 10, 2013.
http://ap.ohchr.org/documents/dpage_e.aspx?b=10&c=125&t=11.

Van Der Mei, Anne Piter. “The New African Court on Human and People's Rights: Towards an Effective Human Rights Mechanism for Africa?.” *Leiden Journal of International Law* 18 (2005).

Vicepresident Ammoun , “Legal Consequences for states of the Continues Presence of South Africa in Namibia (South –west Africa)”, I.C.J Reports 1971.

Weston, Burns. *Human Rights in 20 New Encyclopedia*. 8th Ed. Brit, 1992.

Myanmar Crisis in the Mirror of the Human Rights Council

Marziye Ghalandari

M.A. in International Law, Allameh Tabataba'i University,
Email: ghalandari.marziye@gmail.com

Abstract:

The phenomenon of internationalization of Human Rights starts by establishing the human Rights Commission along with Security Council and General Assembly to maintenance of International peace and security and respect to human Rights according to the violation of human rights, and Culminated with the replacement by the Human Rights council.

Myanmar Crisis and human Rights violation in it which starts 2012 is a case of human Rights violation that needs the Human Rights Council's attention to stopping the Genocide there.

Keywords: Human Rights Commission, Human Rights council, Human Rights violation in Myanmar, Myanmar Crisis, Institutions to protect human rights.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XV, No. 2

2016-2

- **The Commercial Custom Rules in International Trade, Interaction between CISG & Incoterms Rules**
Dr. Mahmood Bagheri – Soroush Rostamzad Asli – Naser Azizi
- **Systems of Regulation of Advertising Aimed at Children in Television**
Dr. Bagher Ansari – Manijeh Hashemian
- **Reflections on Dissolution of International Organizations**
Dr. Mansour Jabbari – Masoud Ahsannejad
- **European Union's Regulations on the Approximation of Nations and the Achievement of European Federalism**
Seyed Hossein Tabatabaei
- **Modern Criminology and Relationship between Crimes**
Dr. Alireza Milani – Mohammad Hajighasemi Ardebili
- **Protection of Children in Armed Conflicts in the Context of International Instruments**
Armin Talaat – Mohammad Ahangar Asil
- **Human Rights Council against the National Politics of States: Some Remarks on the Case of North Korea**
Aramesh Shahbazi – Samsam Avazpoor
- **Comparing between Limitations of Issuing Notarize Acts and Secure Electronic Documents**
Abbas Karimi – Amir Sepahi
- **The Inventive Step Requirement in Iranian Patent System**
Hamed Najafi – Mahsa Madani
- **Myanmar Crisis in the Mirror of the Human Rights Council**
Marziye Ghalandari
- **A Study of Incomplete Crimes in Iran Penal Law**
Alireza Rahmaninaimabadi



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study